نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال دهم - شماره ۴۹۲ - یکشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۸۶ - ۸ صفحه - ۱۵۰ تومان

اصلاح طلبان، پیروز انتخابات مجلس در استان بوشهر

کاندیداهای اصولگرایان در این دوره از انتخابات مجلس در استان بوشهر عبارت بودند از: جمیری - ایرج زاده - نمازی - موسی احمدی این عده در مجموع در چهار حوزه انتخابیه تعداد ۴۰۸۱۷ رای را بدست آورده اند. کاندیداهای ائتلاف اصلاح طلبان نیز عبارت بودند از: پورفاطمی - کدخداپور - قائدزاده - کرمی این عده نیز در مجموع در چهار حوزه انتخابیه تعداد ۸۳۳۶۱ رای را بدست آورده اند. از اصولگرایان هیچکدام به مجلس راه نیافتند و از اصلاح طلبان دو نفر به مجلس راه یافتند. بنابراین در رقابت اصلاح طلبان و اصولگرایان، باید پیروز این میدان را اصلاح طلبان دانست.



کاندیداهای استان بوشهر چقدر رای آوردند؟

تعداد آراء تمامی کاندیدا های استان بوشهر

صفحه ۵



کدخداپور منتخب دشتستان



میگلی نژاد منتخب بوشهر، گناوه و دیلم

؟

منتخب کنگان، دیر و جم



پور فاطمی منتخب دشتی و تنگستان

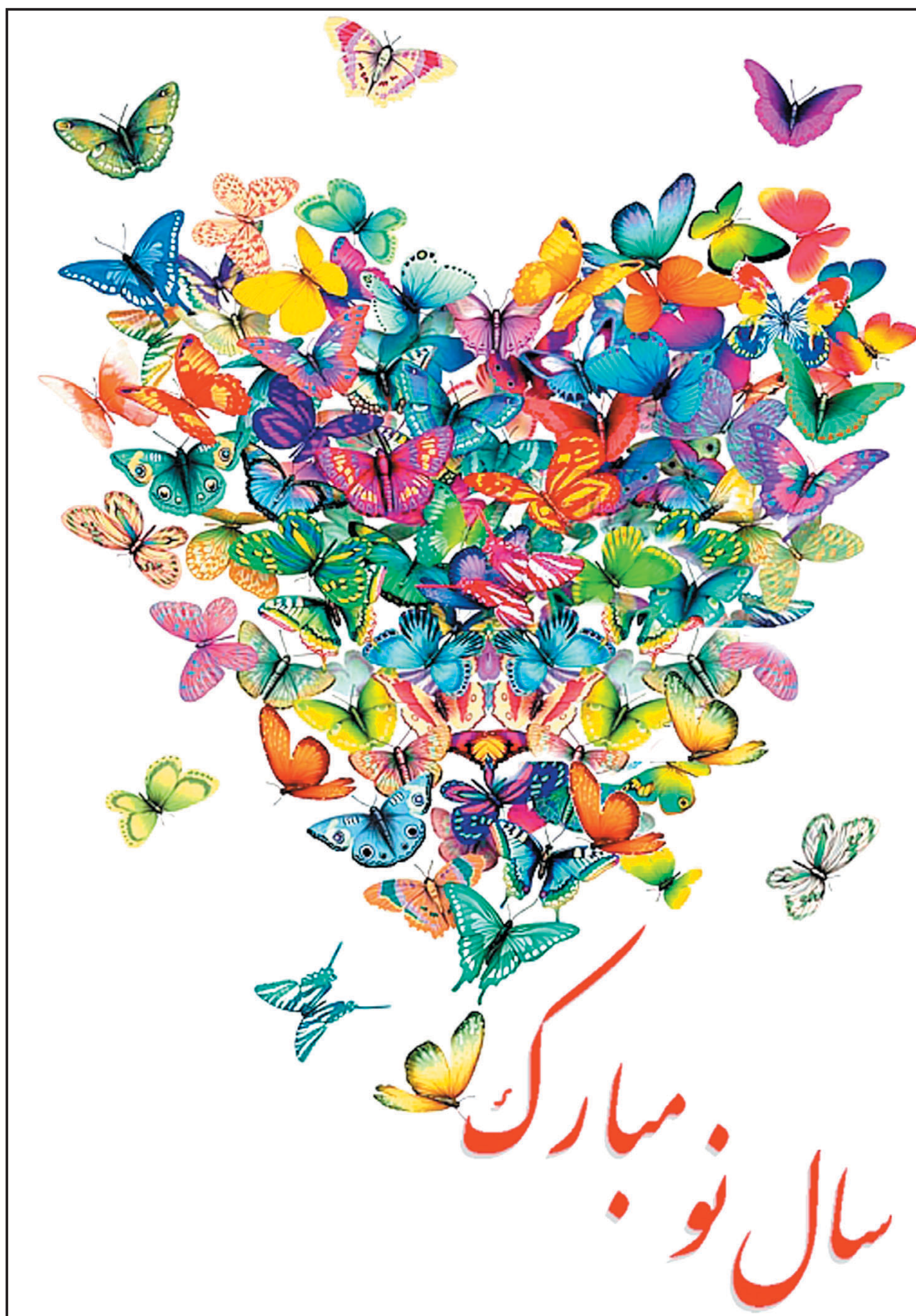
سه نماینده استان بوشهر انتخاب شدند

تکلیف سه نماینده استان بوشهر در مجلس شورای اسلامی مشخص شد و انتخاب یکی دیگر از این نمایندگان نیز به دور دوم کشیده شد. به گزارش خبرنگار نسیم جنوب غلامعلی میگلی نژاد با کسب ۲۵ هزارو ۲۳۴ رای به عنوان منتخب مردم بوشهر، گناوه و دیلم به هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی راه یافت. وی به عنوان نیروی مستقل در انتخابات شرکت نموده بود.

از دشتستان نیز جوانشیر کدخداپور با کسب ۲۹۳۰۵ رای به به هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی راه یافت. وی مورد حمایت ائتلاف اصلاح طلبان استان بوشهر قرار داشت.

در حوزه انتخابیه دشتی و تنگستان، سید محمد مهدی پورفاطمی با کسب ۲۳هزارو ۶۸۶رای حائز حد نصاب آرای این حوزه انتخابیه شد. وی نیز مورد حمایت ائتلاف اصلاح طلبان استان بوشهر قرار داشت.

در حوزه انتخابیه کنگان، دیر و جم قیصر صالحی با کسب ۱۸۰۲۲رای و عسکر جلالیان با کسب ۱۵۴۷۲ رای از کل آرا ء ماخذوه به مرحله دوم راه پیدا نمودند .



نوروز: سخت کوشی، زندگی و عشق ایرانی

لحظه به لحظه انتخابات بوشهر بر روی اینترنت

سایت اینترنتی نسیم جنوب رکورد شکست

سایت اینترنتی نسیم جنوب در طی هفت روز تبلیغات انتخاب به طور ویژه فعال بود و خبرهای انتخاباتی سراسر استان را پوشش می داد بطوریکه در طی شش روز اول بیش از صد خبر انتخاباتی را بر روی خروجی خود قرار داد. اما در جمعه شب و پس از برگزاری انتخابات مجلس، سایت نسیم جنوب با پیگیری لحظه به لحظه نتایج انتخابات، موفق شد تا از ساعت ۲۳،۳۰ دقیقه روز جمعه تا ۳،۳۰ دقیقه بامداد روز شنبه، ۲۶ خبر تولیدی را درباره نتایج انتخابات مجلس در صندوق ها و مناطق مختلف استان پوشش دهد که رکوردی تازه در تولید خبر در رسانه های مکتوب و فضای اینترنتی در استان بوشهر به حساب می آید. حدود ۷ هزار نفر نیز از طریق وب سایت اینترنتی نسیم جنوب لحظه به لحظه خبرهای انتخاباتی را پیگیری می نمودند.

نسیم جنوب
۲
خبر
شماره ۴۹۲ یکشنبه ۲۶ اسفند ماه ۱۳۸۶
NASIM JANOUB

میگلی نژاد منتخب حوزه انتخابیه بوشهر، گناوه و دیلم شد

فرماندار بوشهر و رییس ستاد انتخابات درحوزه‌های بوشهر، گناوه و دیلم گفت: با پایان یافتن شمارش آرای حوزه انتخابیه بوشهر، گناوه ودیلم، غلامعلی میگلی نژاد به عنوان منتخب مردم این حوزه انتخابیه در هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی مشخص شد.

جعفر پورکبگانی در گفت و گوی اختصاصی با ایرنا افزود: در این حوزه انتخابیه ۱۰۱ هزارو ۱۴۳ نفر آرای خود را به صندوق‌های اخذ رای ریختند. وی اظهارداشت:از این شمار، غلامعلی میگلی نژاد با کسب ۲۵ هزارو ۲۳۴ رای به عنوان منتخب مردم بوشهر، گناوه و دیلم به هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی راه یافت.

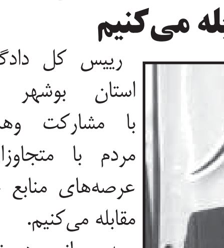
پورکبگانی گفت:حسن قاید زاده باکسب و عبدالکریم جمیری با ۱۸ هزارو ۵۸۶ رای در رده‌های بعدی منتخب این حوزه انتخابیه قرار گرفتند. وی گفت: حدود ۱۴۰ هزار نفر از جمعیت شهرستان‌های بوشهر، گناوه و دیلم واجد شرایط رای در انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی بودند.

فرماندار بوشهر افزود: ۱۱۶ شعبه اخذ رای برای جمع آوری آرای مردم در این حوزه انتخابیه پیش بینی شده بود.

وی باتقدیر از حضور پرشور مردم شهرستان‌های بوشهر، گناوه و دیلم در این دوره از انتخابات گفت: انتخابات بدون هیچگونه مشکل امنیتی در فضایی آرام و با نشاط برگزار شد.

رییس کل دادگستری بوشهر:

بامتجاوزان به‌عرصه‌های منابع طبیعی مقابله می‌کنیم



رییس کل دادگستری استان بوشهر گفت: با مشارکت وهمراهی مردم با متجاوزان به عرصه‌های منابع طبیعی مقابله می‌کنیم.

حیدربحرانی، در نشست با مسوولان منابع طبیعی استان بوشهر افزود: یکی از راه‌های مشارکت مردم درحفظ عرصه‌های طبیعی فرهنگ‌سازی در این زمینه است که با این شیوه می‌توان از حضور مردم بیشتر استفاده کرد. وی اضافه‌کرد: اراضی ملی سرمایه مملکت به شمار می‌آیند که براساس قانون قوه قضاییه با متخلفان مقابله می‌کند. رییس کل دادگستری بوشهر با تاکید بر تشریح قوانین درخصوص تعرض به اراضی ملی اظهار داشت: افراد سودجو و زمین خواران باید شناسایی و مجازات شوند زیرا تنها با این شیوه است که می‌توان دست این افراد را از تخریب و تصرف اراضی و عرصه‌های منابع طبیعی کوتاه کرد.

پورفاطمی منتخب مردم دشتی و تنگستان در مجلس شورای اسلامی

فرماندار‌دشتی و رییس ستادانتخابات در حوزه دشتی و تنگستان گفت:با پایان شمارش آرا در این حوزه انتخابیه، محمد مهدی پورفاطمی به عنوان منتخب مردم این حوزه انتخابیه در هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی مشخص شد. رضا جمشیدی در گفت و گوی اختصاصی با ایرنا افزود: از مجموع ۸۰ هزارو ۱۴۰رای ماخوذه درحوزه انتخابیه دشتی و تنگستان، سید محمد مهدی پورفاطمی با کسب ۲۳هزارو ۶۸۶رای حائز حد نصاب آرای این حوزه انتخابیه شد. وی اظهارداشت: جمعیت واجد شرایط رای حوزه انتخابیه دشتی و تنگستان در هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی ۹۱هزار نفر بود که بیش از ۸۰درصد آنان در انتخابات شرکت کردند.

حوزه انتخابیه دشتی و تنگستان دارای یک کرسی نمایندگی در مجلس شورای اسلامی است.

حجت‌الاسلام سید محمد مهدی پورفاطمی در دوره‌های ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی نیز به عنوان نماینده مردم حوزه دشتی و تنگستان راهی مجلس شد.

کشیده شدن انتخابات کنگان، دیر و جم به دور دوم

ابراهیم دانش خبرنگار نسیم جنوب در دیر: با تبریک از حماسه سازی مردم ایران اسلامی در انتخابات ۲۴ اسفند ۸۶ ؛خصوصا اهالی منطقه جنوبی استان بوشهر (شهرستانهای کنگان ، دیر . جم) به اطلاع میرساند: با تماس تلفنی ساعت ۱۲ که با فرماندار کنگان آقای تبرکی رییس حوزه انتخابیه داشتم :نتیجه به شرح ذیل اعلام نمودند : که با این تعریف انتخابات در این حوزه با مشارکتی ۷۵ مردم به دور دوم کشیده شده است .

آقای قیصر صالحی با کسب ۱۸۰۲۲رای

آقای عسکر جلالیان با کسب ۱۵۴۷۲ رای از کل ارا ء ماخذوه به مرحله دوم راه پیدا نمودند .

جا دارد از مساعدت فرماندار تبرکی در اطلاع رسانی خبری نهایت تقدیر را داشته باشم

نتایج قطعی انتخابات در شهرستان گناوه

به گزارش نسیم جنوب کل آرای شهرستان گناوه: ۳۰۲۷۴ رای و مشارکت : ۶۰ درصد بوده است.

آراء: حسن قایدزاده: ۱۱۷۲۶ رای – سید کریم موسوی: ۶۲۳۸ رای – عبدالکریم جمیری: ۳۸۶۳ رای – غلامعلی میگلی نژاد: ۲۱۶۰ رای – بهمن بهزادی: ۱۸۱۴ رای – عبداله پرور: ۱۰۰۰ رای – صفر دارای: ۶۲۷ رای – علیرضا یزاف: ۵۱۶ رای – محمد شریعتی: ۵۲۶ رای– عبداله باغچه بان: ۳۰۰ رای –سید حسن موسوی: ۲۶۶ رای – احمد خواجه گیری: ۶۷ رای –محمد کاظم حق شناس: ۲۷ رای – ابوالفضل اکبرپور: ۹ رای – علی کولیوند: ۴ رای.

کدخداپور به عنوان منتخب مردم دشتستان در مجلس هشتم معرفی شد

به گزارش نسیم جنوب تعدادکل آرای ماخوذه حوزه انتخابیه شهرستان دشتستان ۱۰۹ هزار و ۱۴۵ رای بوده که مشارکت ۷۳ درصدی را در این شهرستان شاهد بوده ایم. نتایج انتخابات: جوانشیر کدخداپور: ۲۹۳۰۵ رای – دکتر سید عبدالکریم شجاع: ۲۷۹۹۹ رای – ایوب پاپری: ۲۲۴۷۸ رای .

نتایج انتخابات در شهرستان جم

به گزارش خبرنگار نسیم جنوب نتایج مقدماتی شمارش آرا در صندوق های شهرستان جم بدین شرح است:

جلالیان ۸۳۰۸ رای – یوسفی ۳۶۵۰ رای – کرمی ۱۴۱۲ رای – صالحی ۱۳۱۶ رای – حاجیانی ۹۰۰ رای – شیخ موسی احمدی ۹۹۶ رای .

متهم به قتل و شرارت مسلحانه در دشتستان بوشهر دستگیر شد



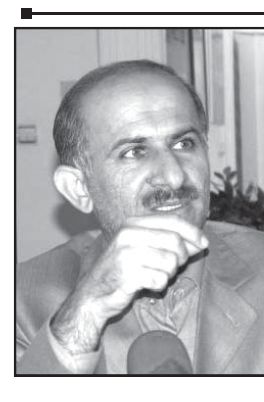
فرمانده‌انتظامی استان بوشهر گفت:یک فراری متهم به قتل وشرارت مسلحانه، در رستان دشتستان این استان توسط ماموران این فرماندهی دستگیر شد. به‌گزارش مرکز اطلاع رسانی فرماندهی انتظامی‌استان‌بوشهر سرهنگ رضا محمدی یگانه افزود: فرد دستگیر شده که محسن نام دارد، متهم است که در سال ۸۴ دریک درگیری پس ازقتل دو نفر به‌نام‌های مهدی وفاطمه متواری شد و با تحت حمایت قراردادن دیگر قاتلان و شرورهای دشتستان باعث سلب آسایش مردم منطقه شد. وی اضافه‌کرد: از این متهم یک قبضه اسلحه کلاشینکف با چهار عدد خشاب و ۲۷۰ تیر فشنگ جنگی، یک عدد جیب خشاب اسلحه کلاش، یک قبضه اسلحه کلت کمری با خشاب و ۱۱ عدد فشنگ جنگی و مقداری تریاک کشف شد. محمدی یگانه گفت:اقدام به سرقت مسلحانه از خوابگاه مهندسین شرکت نفت چاه‌نرگسی دروحدتیه توام با گروگانگیری وسرقت یک دستگاه اتومبیل پراید در فروردین سال ۸۵ که با تلاش پلیس فرد ربوده شده رها و خودرو نیز کشف شد، از دیگر اتهام‌های فرد دستگیر شده است. براساس این گزارش، سرقت مسلحانه ازشرکت شیراز احداث درآبانماه ۸۵،سرقت مسلحانه از بانک کشاورزی سعدآباد، درگیری مسلحانه با پلیس، تیراندازی به منازل دو نفر به نام‌های مهدی و داراب، تیراندازی درجشن عروسی، سرقت پژو ۴۰۵ شخصی به علت اختلاف مالی که در نهایت خودرو مسروقه کشف شد و تهدید به قتل رییس دادگاه بخش سعدآباد دیگر اقداماتی است که فرد دستگیر شده به آنها متهم است. دستگیری این شرور،موجب شادی واطمینان خاطر بیشتر مردم دردشتستان شد.

رییس میراث فرهنگی استان بوشهر:

آماده پذیرایی از مهمانان نوروزی هستیم

رییس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر گفت: با پیش بینی تمهیدات لازم توسط ستاد تسهیلات سفر،این استان آماده‌پذیرایی از مهمانان نوروزی است.

دکتراحمد دشتی در جمع خبرنگاران افزود: به همین منظور امسال ۳۰ محل برای اسکان مهمانان نوروزی دراستان بوشهر پیش بینی شده که از این تعداد دو محل آن در شهر بوشهر است. وی اظهار داشت: یک مجتمع بین راهی و ۱۵مرکز اقامتی با ظرفیت یکهزار و ۵۰۰ تخت در استان بوشهر آماده ارایه خدمات به مهمانان نوروزی است. دشتی بیان کرد: همچنین ۳۰۰مدرسه دراستان به منظور اسکان مسافران در حال تجهیز می‌باشد.



وی گفت:از آنجا که نبود حمام در سطح شهر و کمپینگ‌ها در سال‌های گذشته مشکلات زیادی را برای مسافران به وجود آورده بود امسال ۱۶ چشمه حمام ثابت و ۱۲ حمام سیار در کمپینگ‌ها پیش بینی شده است.

دشتی گفت: نوروز سال گذشته یک میلیون و ۶۰۰ هزار مسافر وارد استان بوشهر شدند که پیش بینی می‌شود این رقم در نوروز امسال به دو میلیون نفر افزایش یابد.

یک مسوول گردشگری بوشهر:

برنامه‌های متنوعی برای مهمانان نوروزی پیش بینی شده‌است

مسوول ستاد تسهیلات سفرسازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر گفت:این ستاد امسال برنامه‌های متنوع وخوبی برای پذیرایی از مسافران نوروزی در سطح استان پیش بینی کرده است.

مینا درعلی،در گفت وگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی افزود:همه شهرهای استان بوشهر برای اسکان و پذیرایی از مسافران در نوروز ساماندهی شده و برنامه‌هایی که برای نوروز امسال در نظر گرفته شده در مقایسه با نوروز سال گذشته از کمیت و کیفیت بیشتری برخوردار است.

وی اظهار داشت: یک پایگاه اطلاع رسانی ثابت و سه پایگاه سیار برای هدایت مسافران و ۱۱ کمپینگ برای اسکان آنان در شهرهای استان بوشهر استقرار یافته است.

درعلی اضافه‌کرد: باتوجه به استقبال چشمگیر مسافران از گشت‌های دریایی تلاش می‌کنیم با فراهم کردن امکانات لازم رضایت مسافران را در این زمینه جلب کنیم.

وی،چیدمان سفره هفت سین در ورودی شهرها،برگزاری آیین‌های استقبال وبدرقه مسافران، برگزاری تورهای درون استانی، جشنواره آب، جشنواره شبهای بوشهر و جشنواره فرهنگی، برپایی نمایشگاههای صنایع دستی، ارزاق عمومی و فروش کالای همراه ملوانی وبرگزاری برنامه‌های متنوع فرهنگی وهنری رااز جمله برنامه‌های این ستاد در نوروز امسال ذکر کرد. درعلی گفت:همچنین به منظور اسکان مسافران در مواقع بارندگی، مکان‌های سرپوشیده مناسبی تجهیز و پیش بینی شده است.

یک باند قاچاق گوشی تلفن همراه در بوشهر متلاشی شد



روابط عمومی اداره‌کل اطلاعات استان بوشهر اعلام کرد: سربازان گمنام امام زمان (عج) در این استان با ضربه زدن به یک باند قاچاق گوشی تلفن همراه دو نفر از اعضای این باند را دستگیر کردند. به گزارش این روابط عمومی، این باند که یک هزارو ۴۱ دستگاه گوشی تلفن همراه به صورت غیرقانونی و ازطریق مرز آبی وارد کشور کرده‌بودند در شهرستان بوشهر مورد ضربه نیروهای این اداره کل قرار گرفت.

براساس این گزارش،دراین ارتباط دونفر اعضای این باند دستگیر و گوشی‌های تلفن همراه کشف شده به اداره کل گمرک استان بوشهر تحویل شد.

مدیر عامل شیلات ایران:

باهمه توان از صنعت پرورش میگو حمایت می‌کنیم



مد یر عا مل شیلات ایران گفت: ازآنجا که صنعت پرورش میگو در ایران یک صنعت نوپا است باید با تمام توان از این صنعت حمایت کنیم. به گزارش خبر گز ا ر ی جمهو ر ی اسلامی وحید زارع در نشست ساماندهی میگوی استان بوشهر افزود: مصوبات سفرهای استانی هیات دولت در بخش صنعت پرورش میگو با جدیت دنبال می‌شود.

وی با تاکید بر تسریع در حل مشکلات این صنعت اظهار داشت: این صنعت نوپا است و نیاز به حمایت دارد و همه مسوولان نیز عزم جدی برای حل مشکلات این صنعت دارند. استاندار بوشهر نیز گفت: تامین برق سایت‌های پرورش میگو در استان بوشهر یکی از مصوبات سفر هیات دولت به این استان بوده که اینک به دنبال اجرایی شدن این مصوبه هستیم. علی افراشته افزود: مرکز تحقیقات میگو نیز نیازمند توجه ویژه‌ای است زیرا این مرکز می‌تواند گره گشای مشکلات پرورش‌دهندگان در زمینه تولید مولد باشد.

وی بیان کرد: برای رونق این صنعت در سال آینده اقدامات جدی درخصوص پرداخت جوایز صادراتی به صادرکنندگان میگو انجام می‌شود. افراشته با بیان اینکه این صنعت موجب اشتغال پایدار می‌شود برحمایت از این صنعت تاکید کرد و گفت: ورود میگوی پرورشی در سبد غذایی کارکنان دولت در حل مشکلات پرورش‌دهندگان میگو در زمینه فروش محصولات پرورشی موثراست.

نسیم جنوب
۳
مقاله
شماره ۴۹۲ یکشنبه ۲۶ اسفند ماه ۱۳۸۶
NASIM JANOUB

راز هفت سین نوروزی

حسن رستمیان yahoo.comhassanrostamian@



نوروز همچون مسافری است عزیز و پررمز و راز، که همه ساله در زیباترین و اعجاب انگیزترین فصل سال برای تدارک سور و سات یک جشن باشکوه، به یمن تولد دگرباره طبیعت و تبلور حیات، آهسته آهسته وارد شهر و خانه ها می شود! و همه چشم انتظار آمدنش، به پیشواز می روند: خانه تکانی می کنند، نو و زیبایی را جایگزین کهنه گی و پلشتی می کنند.

تاریکی را پس زده، آتش می افروزند و شادی برپا می کنند، لباس پاکیزه و نو بر تن کرده و به پاس آمدنش هدیه به یکدیگر پیشکش می کنند، و حتی مردگان را نیز در این شادی بی نصیب نمی گذارند، خوانی از عصاره سلامتی، برکت، معنویت، روشنایی، حیات و پاکی می گسترانند و آن را به نام عدد اهورایی و مقدسی چون هفت، متبرک می کنند و با حضور در کنار آن، در نخستین لحظات حلول سال نو، هر چه نیکی و خوبی است را برای خود و خانواده شان رقم می زنند. شاید به جرأت بتوان گفت که در بین سلسله آیین های نوروزی، «هفت سین» رازآلود ترین و فلسفی ترین سنتی است که در پس هر «سین»اش، بس رازها و معرفت ها نهفته است. ولی به نظر می رسد آن را نیز بی توجه به فلسفه وجودش، به مانند بسیاری از رسوم کهن، با اطمینان به اعمال و اقوام آبا و اجدادمان، و فقط با این توجیه که حضور «هفت سین»، خوش یمن و نبودش بدشگون است، اجرایش می کنیم.

«هفت سین» بخش لاینفک نوروز است که با یکدیگر پیوند ناگسستنی دارند. همه به نوعی هفت سین را می ستایند و نسبت به آن ارادت می ورزند، از مدتها قبل در تب و تاب تدارک وسایل سفره «هفت سین» می افتند، سبزه می نشانند، ماهی قرمز به تنگ کرده و تهیه سمنو و سنجد و سیب و سکه و چندین سین دیگر را جزو واجبات امور قرار می دهند و آنها را ساعتی قبل از شروع سال جدید در سفره ای که آیینه و کتاب مقدس و شمع فروزان، صدرنشین آن هستند، با وسواسی خاص، می چینند و حول آن را خوش یمن ترین مکان برای شروع سال جدید می دانند.

و اعجاب انگیز اینکه تأثیر مادی و معنوی آیین های نوروزی بر شؤونات مختلف زندگی ایرانیان تا حدی است که توانسته در لابه لای هیاهوی سرسام آور زندگی شهرنشینی و ماشینی امروزی که در آن، هر آنچه متعلق به گذشته است محکوم به فراموشی است. دوام آورده و ایفاکننده کارکردی بس مهم در گردآوردن افراد خانواده به دور هم و ایجاد صلح و دوستی و گرمی روابط آنها باشد. نوروز تمام اعضای خانواده را از دور و نزدیک به خانه فراخوانده و بر سر سفره «هفت سین» می نشاند و «هفت اصل خردورزی، سلامت، خوش خلقی، صبر و مقاومت، قناعت و احترام به حقوق دیگران، پذیرش ناملایمات و شادابی در زندگی روزمره را را در هنگام حلول سال نو در جان و دلمان جاری می سازد.»(۱)

اما رمز این همه شکوه و زیبایی چیست؟ «هفت سین» و آنچه متعلق به آن است مانند تمامی مراسم و آیین های باستانی مان در هاله ای از افسانه و اسطوره قرار دارد که می توان برایش اسطوره ها، نظرات و رازهای بسیار و متنوعی یافت که هر کدام به نوبه خود در خور توجه هستند. ولی با یک دید اجمالی در خصوص تفسیر و دریافت معانی «هفت سین»، دو پرسش به ذهن می رسد: یکی اینکه از بین میلیاردها اعداد، چرا عدد هفت؟ و دیگر اینکه چرا سین؟ باید گفت تاریخ دقیق ورود «هفت سین» به مراسم نوروزی دقیقاً مشخص نیست اما در متأثر بودن این آیین از جایگاه ویژه عدد هفت در فرهنگ ایران زمین، هیچ شکی نیست.

یکی از قدیمی ترین اسنادی که نشانگر نماد هفت سین است مطلبی است که ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه ذکر کرده است؛ بدین توضیح که «چون جمشید بر اهریمن که راه خیر و برکت و باران سبز شدن گیاه را گرفته بود، پیروز شد و دوباره باران باریدن گرفت و گیاهان سبز شدند، مردم گفتند روز نو (یعنی روز نوین و دوره ای تازه) آمده است. پس هر کسی ظرفی جو کاشت و مردم در روز نوروز در هفت طرح، هفت نوع غله کاشتند و سبز کردند.»(۲) همواره در تمامی فرهنگ ها و مذاهب، برخی از اعداد در حوزه باورها و اعتقادات مردم، علاوه بر ارزش کمی، دارای ویژگی های کیفی نیز هستند؛ تا آنجا که ایدئولوژی و جهان بینی معتقدان به آنها را شکل می دهد. اعدادی چون چهل، هفت، سه، سیزده که هر کدام با داشتن خصلت هایی همچون مقدس، خوش یمن، بدیمن، نحس و ... رفتار، اعتقادات و عملکرد مردم را تحت تأثیر قرار داده و زمینه ساز آیین ها و مراسم بسیاری می گردد و نوعی در هم تنیدگی بین این آیین ها و اعداد به وجود می آید.

چنانکه فیثاغورث و پیروانش نیز متذکر شده اند: «تمام جهان هستی براساس اعداد ساخته و پرداخته شده اند» که در میان این اعداد خاص، هفت از نظر وسعت و اهمیت، جایگاه خاصی را در بین اکثر ملیت ها و پیروان ادیان گوناگون به خود اختصاص داده و عددی است مقدس و برگزیده. به طوری که از دیرباز مورد توجه اقوام مختلف جهان بوده (۳) اغلب در امور ایزدی و نیک و گاه در امور اهریمنی و شر به کار می رفته است. وجود عواملی مانند تعداد سیاره های مکشوف جهان باستان و همچنین رنگ های اصلی، هفته، اعتقاد به هفت طبقه بودن زمین و آسمان، تمام شدن آفرینش هستی در روز هفتم و ... مؤید رجحان و جنبه ماوراء طبیعی این عدد گردیده است و این امر در ایران نیز به طور برجسته ای نمایان است و در طول تاریخ ایران (چه پیش از اسلام و چه پس از آن) در اعتقادات، باورداشت ها، مراسم و آیین ها، ادبیات و حتی لغت و تعبیرات عامیانه مردم و ... همواره شاهد حضور و نقش این عدد خاص هستیم.

طالع بینی آریایی، در معرفی این عدد چنین آورده که: «عدد ۷ نماد و جوهره از خودگذشتگی، اخلاق مداری، اشراق و شفقت، پاکی، روشنایی، ذات منزه آفریدگار، نیروی آفرینش و جهان هستی و معنویت است. عدد سحر آمیز هفت، همگام با تحرکات هستی است و خرد را پیروز می کند و هر کسی طالعش را تحت تأثیر عدد هفت بداند آن را خوش یمن می داند...» تعریفی که انعکاس نظر و دیدگاه اقوام آریایی در خصوص جایگاه و ویژگی مثبت و خارق العاده عدد هفت است. و صادق هدایت نیز متوجه متفاوت بودن این عدد شده و در کتاب «نیرنگستان» می نویسد: «دد هفت دارای خاصیت و اعتبار مخصوصی است و در همه افسانه ها و قصه های قدیمی به آن برمی خوریم. در قصه ها، هفت کفش آهنی و هفت عصای آهنی، هفت آسمان، هفت روز هفته، هفت گنبد بهرام، هفت خوان رستم، هفت سین، هفت دختران، هفت اختران، هفت کشور و غیره.» و اما در اعتقاد زرتشتیان که قبل از اسلام، دین رسمی مردم ایران بوده و تأثیر و جایگاه خاصی در اعتقادات، باورها و آداب و رسوم مردم ایران دارد، وجود هفت امشاسپند و هفت عامل شر (سر دیوان) (۴) و داشتن هفت آتشکده مقدس (۵) و تقدس هفت ستاره و هفت آسمان و ... بازگوکننده تقدس و ارزش عدد هفت در آن و مبنا و مدار بسیاری از اعمال وآیین های مذهبی و ملی شان نظیر سفره هفت سین است.

برخلاف جزء اول نام این آیین (هفت) درخصوص جزء پایانی آن، نظرات متنوعی وجود دارد: بسیاری در خصوص وجه تسمیه هفت سین خوان نوروزی، آن را اشاره ای بر هفت فرشته کیش زرتشتی می دانند که در نزد ایرانیان بسیار ارجمند و والا است و هر یک از سین های خوان هفت سین را نماینده یکی از این فرشته ها می دانند و می گویند: هر یک از آن هفت خوانی را که ایرانیان به هنگام نوروز می چیدند، نماینده یکی از این



هفت سپنتا (مشه سپنته / امشاسبند) است و چون تلفظ سپنتا دشوار بوده، تنها به گفتن «هفت سین» بسنده کرده و رفته رفته «هفت سین» را در یک خوان گردآوردند. و به نظر دکتر مهرداد بهار، آیین «هفت سین» در ارتباط با تقدس هفت سیاره مؤثر بوده است و گمان بر این بوده که اگر کسی هر هفت را دراختیار داشته باشد، نظر لطف هر هفت سیاره را به خود جلب کرده و خوشبخت می شود. (۶)

ولی در برخی نوشته ها از سفره «هفت سین» سخن رفته و در توجیه آن، اظهارمی دارند که در روزگار ساسانیان، قابهای منقوش، زیبا و گرانبهایی از جنس کائولین به ایران آورده می شد، که بعدها به نام کشوری که از آن می آمد، «چینی» نامیده شد و درتغییر گویش به صورت «سینی»/ «صینی» رواج پیداکرد. در این دوران برای چیدن خوان نوروزی از همین ظروف منقوش بهره می گرفتند. هفت ظرف از این ظرف ها را به نیت هفت امشاسپند، پر از نقل و قند و شیرینی می کردند و بر سر خوان های نوروزی می گذاشتند و از این رو خوان نوروزی به نام «هفت سینی» نام گرفت که بعدها با حذف «ی» نسبت، همان «هفت سین» امروزی شد. (۷) ولی نظریه ای با رد این مسأله با تأکید بر این موضوع که ایرانیان باستان تماس چندانی با چین نداشتند، معتقد است که «هفت چین» همان «هفت سین» است و تضادی بین این دو وجود ندارد و منظور از «هفت چین» به دو معنای آن بازمی گردد: یکی اینکه هفت چیزی که باید بر سفره چیده شود و دیگر به معنی هفت گونه چیزی که از درخت چیده شده باشد. (هفت روییدنی از کشتزار چیده شده).

حتی بعضی سیر تغییر «چین» به «سین» را اینگونه توجیه می کنند که در ایران باستان، به هنگام نوروز و فرودآمدن فروهرها از آسمان، ایرانیان هفت سفره (هفت خوان) می چیدند و این واژه نخست هفت چین بوده و پس از حمله تازیان، چون تازیان حرف (چ) را نمی توانستند بگویند آن را هفت سین گفتند. و نظر جالبی که درحاشیه این مطلب می آید این است که هفت را فراتر از معنای عددی اش می دانند و با درنظرگرفتن معنایی از «هفت» در فرهنگ ادبیات شفاهی و محاورات عامیانه مردم ایران که به معنای «بسیار» متداول است، معتقدند «هفت چین» به معنای «بسیار بچین» است.(۸)

گروهی دیگر می گویند هفت سین در آغاز هفت شین بوده است و با قائل بودن قدمتی کهن برای آن، معتقدند در زمان ساسانیان، سفره هفت شین رواج داشته است و رودکی سمرقندی این هفت شین را چنین توصیف کرده است. عید نوروزی، مردم ایران می نهادند از زمان کیان شهد و شیر و شراب و شکر ناب شمع و شمشاد و شایه اندر که با آمدن اسلام و تغییر برخی آواها در گفتار و معتقدات دینی مردم ایران، به هفت سین تبدیل گردیده است و برای تأیید این گفته، شراب را مثال می زنند که به دلیل حرام بودنش در مذهب اسلام، سرکه جایگزین گردیده است! البته این نظریه درهاله ای از ابهام قراردارد. زیرا شمع و شراب و شهد سه واژه تازی هستند که پارسی آنها سپندار، باده و انگبین است و هیچیک از اینها در زبان پارسی با شین آغاز نمی شوند. پس این مطلب و چیزهایی را که درآن به عنوانهفت شین از آنها نام برده شده است، نمی تواند پایه و اساس مستندی داشته باشد و شاید موارد هفت شین اینها نباشد (مثلاً منظور هفت روییدنی باشد که با حروف شین آغاز شود) ولیکن نباید به یکباره این باور را نادیده گرفت و به دور انداخت. (۹)

همچنین بنا به اسناد تاریخی، یکی از اشکال «هفت سین»، «هفت قل» بوده. نقل است در زمان صفویه، بنا بر معتقدات مذهبی خود، سینی هفت قل می ساختند و برروی آن هفت آیه از قرآن کریم را که با کلمه «قل» آغاز می شد، کنده کاری می کردند. علاوه بر آن، برخی از هفت میم نیز سخن به میان می آورند و حتی امروزه در برخی از روستاهای فارس و خراسان سفره ای با هفت جز که با «میم» شروع می شود: مدنی (لیمو شیرین)، مرغ، ماهی، میگو، مسقطی، ماست و مویز. ولی امروزه، آنچه که درخوان نوروزی، با وجود تفاوت های مختصری (براساس ویژگی های اجتماعی، فرهنگی و اقلیمی مناطق) به نام «هفت سین» متداول است، همان سفره هفت سینی است که «هفت» چیز با مطلع «س» (سنجد، سیب، سبزه، سمنو، سیر، سرکه و سماق) هسته اصلی آن راتشکیل می دهد و خیر و برکت و زیبایی آن با حضور کتاب مقدس (مسلمانان: قرآن و زرتشتیان: کتاب اوستا)، گلاب، اسپند، سکه، آیینه، شمع، تخم مرغ های منقوش و جام آبی که ماهی سرخی میهمان آن است، مضاعف می شود.

جزء به جزء آرایه های این سفره که بازتاب ذوق اصیل ایرانی است، محتوایی بس زیباتر از ظاهرش دارد. «هفت سین» حامل معنا و مفهومی رمزگونه و تمثیلی از بینش و آرزوهای مردم ایران است. بهترین جای خانه، مکان گستراندن بساط هفت سین است. سفره ای (پارچه ای) سفید و بی آلایش، میزبان اصلی خانواده هفت سین است. «خود سفره هفت سین، سمبل امشاسبند سپندارمذ است.

این امشاسبند در نقش مادی خود نگهبان زمین است و حافظ تمامی اشیای هفت سین تا این باور را در ذهن ما تقویت کند که جهان پیوسته درحمایت قدرتی والا است و هیچ جایی برای ناامیدی در سرتاسر گیتی نمی توان یافت.(۱۰) سنجد میوه ای بهشتی و نمادی از عشق و دلدادگی (عطر و برگ و شکوفه درخت سنجد را محرک عشق و دلباختگی می دانند)، زایش (طبیعت) و خردگرایی است.

سیب (سرخ) نیز همانند سنجد، عطیه ای بهشتی و نمادی از عشق و دلدادگی و همچنین نماد زایش و دارایی و تندرستی است. معروف است «هرکس روزانه یک سیب بخورد، وی را به طبیب نیازی نیست» در قدیم، روستاییان سیب را در خم های ویژه ای نگهداری می کردند و پیش از نوروز به یکدیگر هدیه می دادند. سبزه سبز شدن دانه، نماد امشاسپند امرداد است. مردم بر این باورند که فروهر نیکان باعث بالیدن و سبز شدن دانه ها به هنگام بهار می شود و نشان خوش اخلاقی، خرمی، فراوانی، رویش (حیات)، شادابی و رنگ سبزش، رنگ ملی و مذهبی ایرانیان است و حضورش بر سر سفره، طلب شادابی، فراوانی کیسه و خوش خلقی در سال نو! «ایرانیان رسم کاشتن سبزه و دانه رویاندن را به هنگام گردش سال کهنه به نو، همچون آیین نوروزی به جمشید (پادشاه سلسله پیشدادی) نسبت می دهند و باور دارند که جمشید پس از سرکوب اهریمن و پیروانش، که برکت را از مردم در روی زمین گرفته بودند و باد را نمی گذاشتند که بوزد و درختان برویند، به زمین بازگشت و این روز را نوروز نامیدند. هر چوب و درختی که خشک شده بود باز رویید و سبز شد و هر شخص از راه تبرک به این روز در تشتی جو کاشت.

سپس این رسم ایرانیان پایدار ماند، که روز نوروز درکنار خانه هفت صنف از غلات، در هفت استوانه بکارند و از رویدن این غلات، به خوبی و بدی زراعت و حاصل سالیانه حدس بزنند. (۱۱) سمنو تهیه شده از جوانه تازه رسیده گندم، یادآور بخشی از آیین های باستانی و سمبل زایش دوباره بهار و مظهر باروری، برکت و قدرت و مبارزه با ضعف است. چرا که اعتقاد بر این است چون فروهرها عامل رویيدن گیاهان و جوانه زدن آنها هستند، خوردن این جوانه های بارور، سبب نیرومندی و باروری درتمام سال می گردد. سیر از دیر زمان با خاصیت فراوان، به عنوان دارویی جادویی شناخته شده است. به انضمام فایده گندزدایی، نمادی است از تندرستی و پاکیزگی و همچون اسپند دفع کننده ارواح زیانکار است. (۱۲) و با توسل به معنای آن در ادب فارسی که کافی، پر و انباشته است، آن را مظهر مناعت طبع، استغنا و امتناع از تجاوز به حق دیگران می دانند. سرکه نیز همچون سیر در برگیرنده خواص شفابخش اعجاب انگیزی است و آن را مظهر تندرستی، باروری و برکت می دانند.

نظری است که می گوید: «سرکه، آب انگور تخمیر شده است. درخت انگور مظهر باروری و برکت است و آب انگور به منزله خون این روح نباتی است بنابراین سرکه را برای آن در سفره «هفت سین» می گذارند تا خون برکت دهنده این روح نباتی به آنها سرایت کند و آنها را بارور و پربرکت کند.» علاوه بر آن در کتاب «نوروز و فلسفه هفت سین» با تأکید بر سابقه آن در فرهنگ وادبیات ایرانی، از سرکه به عنوان نماد صبر، پذیرش ناملایمات، نماد رضا و تسلی یاد می شود. سماق به عنوان هفتمین سین سفره، نماد صبر و بردباری، تحمل دیگران و محرک شادی در زندگی است. همانگونه که در ادبیات فارسی، اصطلاح «سماق مکیدن» کنایه از منتظر ماندن است و در پی خواص دارویی اش (مفید جهت رفع تراخم و جوش های پلک چشم و تسکین فشار و حرارت و کاهش اوره) نشانی از سلامتی را نیز با خود به همراه دارد.

این هفت سین، میهمانان اصلی سفره نوروز هستند که گاه همراهانی نیز در کنار خود می پذیرند: آیینه را که به همراه کتاب مقدس (مایه تبرک و تقدس سفره نوروزی) صدرنشین سفره سپید نوروزی است و مظهر پاکی و صداقت و بازتاباننده هستی ازلی، بخت، سرنوشت و روشنایی،(۱۳) شمع را که در پی تقدس آتش در آیین زرتشت خوش یمن است ونشانه فروزش و روشنایی و زداینده تاریکی و سیاهی و افروختنش به شمار اعضای خانواده طلب روشنای شمع عمر آنهاست. سکه را که گاهی در شمارسین های اصلی قرار می گیرد و نمادی از ثروت و دارندگی است و منسوب به امشاسبند شهریور (نگهبان فلز). تخم مرغ (۱۴) را که نمادی از نطفه، آفرینش و زایندگی و پوستش نمادی از آسمان و طاق کیهان است. ماهی که آب (مظهر روشنایی و حیات) را به میهمانی هفت سین می آورد و یادآور اسفندماه (۱۵) است و نماد آناهیتا (فرشته آب و باروری) و وجود آن در سفره نوروزی باعث برکت و باروری در سال نو می گردد و بسیاری موارد دیگر که هر کدام حامل معنایی در خور توجه هستند و چه حیف است این همه زیبایی و فلسفه را تنها از روی عادت و فقط به خاطر زیبایی شان بچینیم! و چه زیباست وقتی که در پای خوان نوروزی حلقه زده و با دعا و آرزوهای نیک، لحظه شمار رسیدن سالی نو هستیم، از ظاهر آن مجمع اهورایی بگذریم و به درون آن و آنچه از گذشتگانمان با خود دارند سفر کنیم و در پس سنجد، سیب، سبزه، سمنو، سیر، سرکه و سماق هفت سین سعادت، سیادت، سلامت، سخاوت، سپیدروزی، سرفرازی و سرخوشی را بازیابیم.

پی نوشتها: ۱– دادخواه، سیدمحمد علی (۱۳۸۳): «نوروز و فلسفه هفت سین»، تهران: فواد، چاپ سوم، ص ۱۵۲

–۲ همان منبع، ص۱۳۶.

–۳ نقل است قدیمی ترین قومی که به عدد هفت توجه کرده، قوم «سومر» است. آنها متوجه سیارات شده و آنها را می پرستیدند. علاوه بر قوم سومر، در آیین مهریان، میترایی، دین یهود، مسیحیت، زرتشت و اسلام و بسیاری آیین ها و مذاهب دیگر نیز عدد هفت از قداست و احترام والایی برخوردار است (صادق زاده، بهمن، «هفت در پهنه فرهنگ و دین»، مجله کیهان فرهنگی، شماره۱۳۳ خرداد و تیر،۶۹ ص۷۰).

–۴ هفت امشاسبدان: اهورامزدا، بهمن، اردیبهشت، شهریور، سپندارمذ یا اسفند، خورداد، امره تات یا امرداد و هفت دیوان: اکومن، ایندره، ساوول، ناهیه، تبریز، زیریز و آئشمه

–۵ هفت امشاسبدان: اهورا مزدا، بهمن، اردیبهشت، شهریور، سپندارمذ یا اسفند، خورداد، امره تات یا امرداد و هفت دیوان: اکومن، ایندره، ساوول، ناهیه، تیریز، زیریز و آئشمه

–۶ روح الامینی، محمود (۱۳۷۶)، «آیین ها و جشن های کهن در ایران امروز» تهران: آگاه

–۷ www. Peyvand. Persianblog.com مقاله «نوروز ۷۰۲۶ میترایی».

–۸ نام این هفت آتشکده عبارتند از: آذرمهر _ آذرنوش _ آذربهرام _ آذرآیین _ آذرخرداد _ آذربرزین _ آذرزردهشت

–۹ از آنجایی که تلفظ این دوحرف (سین _ شین) بسیار به هم نزدیک است، برخی از محققان بر این باورند که در ابتدا، این دوحرف، یک حرف بوده است.

–۱۰ دادخواه، سیدمحمد علی (۱۳۸۳): «نوروز و فلسفه هفت سین»، تهران: فواد، چاپ سوم، ص ۱۶۳

–۱۱ عصری، سمانه (۱۳۸۴): «در خوان نوروزی و هفت سین ایرانیان»، میراث خبر: گروه فرهنگ (نقل از آثارالباقیه ابوریحان بیرونی)

–۱۲ البته برخی از خانواده های زرتشتی در سفره هفت سین سیر نمی گذارند، چون آن را به خاطر بوی بدش «انگره مینو» (مربوط به روان بد) می دانند.

–۱۳ از نظر واژه شناسی از ریشه ادونک که معنی شکل و دیدار آمده است. در نخستین روز نوروز که انسان کیهانی بر اثر آمیختن فروهر مینوی با نیروهای دیگر شکل می گیرد، باید نماد آن در خوان نوروزی باشد تا شکل پذیری آسان گردد. از این رو یک آینه را در بالای خوان نوروزی و آیینه دیگر را زیر تخم مرغ می گذارند.

–۱۴ در گذشته، رسم بر این است که یکی از تخم مرغها را بر روی آیینه می گذارند و اعتقاد دارند که در هنگام تحویل سال وقتی که گاو آسمانی کره زمین را از شاخی به شاخ دیگر خود می افکند، تخم مرغ بر روی آیینه خواهد جنبید.

–۱۵ اسفندماه در برج حوت (ماهی) است و به هنگام نوروز برج حوت به حمل (شتر) تحویل می شود، از این رو نمادی از آخرین ماه سال در خوان نوروزی گذاشته می شود. به نظر می رسد خوردن ماهی در شب عید نشانی از این باشد.

یادداشت

قاتل خاموش

حمیدرضا رصافیانی
کارشناس ارشد آموزش بهداشت

بالا بودن فشار خون یکی از عوامل خطر ایجاد سکته قلبی و مغزی می باشد اما متاسفانه در بسیاری از موارد افراد از بالا بودن فشار خون خود آگاه نیستند و وقتی متوجه آن می شوند که دیگر خیلی دیر شده است به همین دلیل به این بیماری لقب قاتل خاموش داده شده است.

تعریف فشار خون : فشارخون عبارت از نیروی است که در اثر برخورد خون با دیواره سرخرگها بوجود می آید و سبب جریان خون از قلب به قسمتهای دیگر بدن می شود .

بیماری فشار خون بالا : فشار خون بالا یکی از شایعترین اختلالات گردش خون می باشد . این بیماری از جمله بیماریهایی است که عوارض زیادی دارد : مهمترین آنها اختلالات بینایی ، کلیوی ، مغزی و قلبی می باشد . در صورتیکه فشار خون بالا درمان نشود در بیشتر موارد منجر به مرگ می گردد.

علت فشار خون بالا : بیماری فشارخون بالا میتواند به دلیل بیماریهای کلیه ، غدد، نا هنجاریهای عروقی باشد. اما در ۹۰ درصد بیماران علت مشخصی برای با لا بودن فشار خون وجود ندارد.

علائم فشار خون بالا: این بیمار می تواند سالها بدون علامت باشد و یا ممکن است با علائمی مانند درد ناحیه پس سر ، بخصوص صبحها هنگام بیدار شدن از خواب ، سر گیجه ، خستگی ، تپش قلب همراه باشد .علائمی مانند تنگی نفس شبانه ، خواب آلودگی و اغما در موارد حاد بیماری دیده می شود .

عوامل موثر در تشدید فشار خون بالا

اگر چه در اکثر موارد علت فشار خون بالا مشخص نیست ولی عوامل زیر در تشدید بیماری موثر هستند :

بیماری قند – سابقه فامیلی – فشارهای عصبی – چاقی – افزایش چربی خون – استعمال دخانیات – نداشتن فعالیت بدنی و ورزش

راههای پیشگیری از ابتلا به فشار خون بالا:

–۱ کم کردن وزن ورساندن آن به حد مطلوب ۲– کاهش چربی غذا ۳– کم کردن مصرف نمک ۴– حبوبات مانند :



عدس ، نخود ،و لوبیا وسبزی بیشتر مصرف شوند.۵– فعالیت بدنی و ورزش مستمر انجام شود .

ساده ترین و عملی ترین ورزش نیم ساعت پیاده روی در روزاست

لازم است به منظور کاهش چربی غذا ، نکات زیر رعایت گردد: چربی گوشت و پوست مرغ قبل از پخت از آنها جدا شود. مصرف زرده تخم مرغ حد اکثر به ۳ عدد در هفته محدود شود .مصرف دل و قلوه ، کله پاچه و مغز محدود شود . به جای سرخ کردن مواد غذایی از روش کباب کردن ، آب پز کردن یا بخار پز کردن، و از فر یا تنور جهت پخت مواد غذایی استفاده گردد.– مصرف مواد قندی مانند قند و شکر ، بستنی ، شیرینی و بطور کلی هر ماده غذایی که در تهیه آن شکر به کار رفته است و نیز مصرف مواد نشاسته ای مانند نان، برنج ، سیب زمینی و ماکارونی کاهش یابد. زیرا زیادی این مواد در بدن به چربی تبدیل می گردد. از استعمال دخانیات پرهیز شود.لازم است افراد سالم حداقل سالی یکبارفشار خون خود را اندازه گیری کنند زیرا فشارخون بالا در اغلب موارد فاقد هر گونه علامتی می باشد. افراد دارای فشار خون بالا لازم است زیر نظر پزشک معالج خود ، به طور منظم فشار خون خود را اندازه گیری کرده و هر ۶ ماه یکبار آزمایش چربی ، قند ، اوره ، اسید اوریک خون و آزمایش کامل ادرار را انجام دهند.

قطع داروهای پایین آورنده فشار خون بدون مشورت پزشک عوارض جبران ناپذیری در پی دارد ...

با تشخیص سریع و درمان بموقع فشار خون بالا میتوان از بسیاری از عوارض آن پیشگیری کرد .

منبع : http://medschool.sums.ac.ir/users/fchc/science/htn.htm

وضع قانون برای همه وهمیشه

نادر صفوی



تدوین قانون جدید مجلس در این دوره از انتخابات، علیرغم این که قصد و نیت واقعی آن برایم مهم است ولی یک اصل مهم که نفع عام در آن بود را در پی داشت و آن این که در و دیوار و کوی برزن و ... از معرض پلشتی کاغذ و چسب در امان ماند و ضمن این که اغلب افراد مطلع و آگاه از بیوگرافی کاندیداهای مجلس اطلاع بیشتری از اشخاص بی سواد و کم سواد پیدا کردند. ولی ای کاش این روش تبلیغ در تمام انتخابات ما به ویژه شورای شهر هم تعمیم پیدا می کرد و علاوه بر آن، شوراهای شهر هم چنین مصوبه ای جهت پاکیزه نگه داشتن شهرها تدوین و با اخذ جریمه سنگین تعدادی افراد سود جو و بی مسوولیت که هر کجای شهر رسیدند با یک قوطی رنگ چهره ی شهر را زشت و بدقواره می کنند (برای مثال اگر دقت کرده باشید ساختمانی نیست که شماره موبایلی روی آن ساختمان با رنگ ننوشته باشد؟ قطع درخت، جوشکاری سیار و نقاشی ساختمان و ...) یا مجلس ترحیم و این یک عمل زیبنده نیست و شورا با تعیین و اخذ جریمه اول شهر را سالم و زیبا نگه می دارد، ثانیا چنان چه افراد خاصی پیدا شود و مرتکب خلافی شود با اخذ این مبلغ که به حساب شهرداری واریز می شود می تواند تابلوهای بزرگی در اکثر نقاط شهر نصب و مردم هم تبلیغات یا آگهی های خود را در مقابل پرداخت وجهی به حساب شهرداری در آن تابلوها الصاق می کنند و جا و مکان مشخصی برای این امور پیدا می شود.

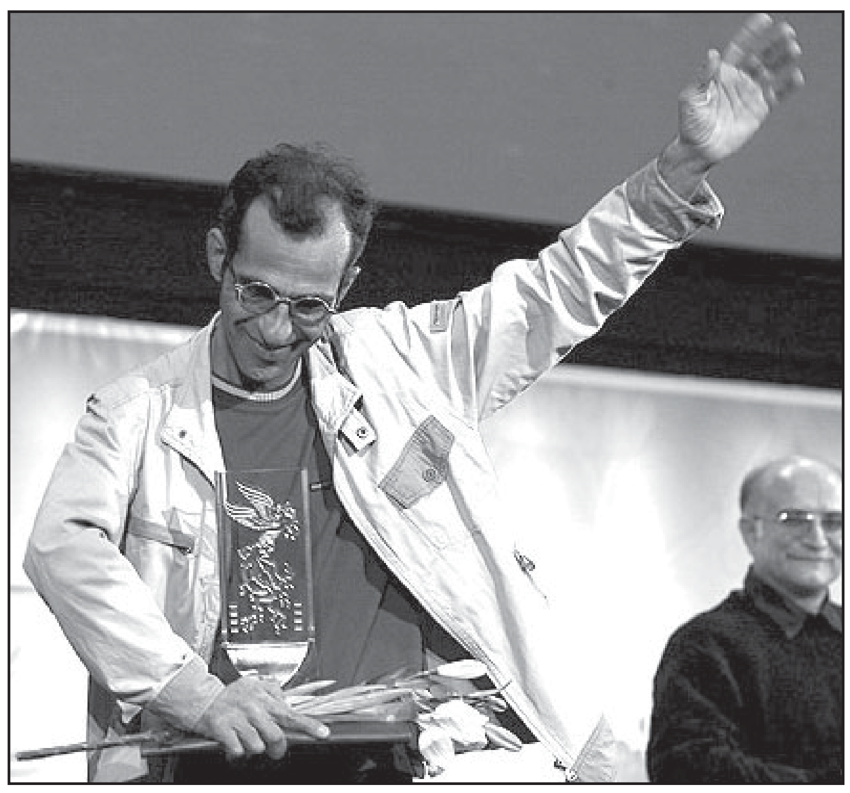
واقعا حیف است که مردمی با ۱۰۰۰۰ سال سابقه تمدن سیر پسرفت داشته باشند. ما مردم ایران باید در همه چیز به خصوص اخلاق در دنیا اول باشیم نه این که موردی عمل کنیم و قانون را فقط برای چند روزی که به نفع حزب و دسته مان باشد وضع کنیم.

سال ۸۶؛ دگرگونی اندیشه و بینش متحول شده ی هنرمندان بوشهری

حسین دهقانی



انسان، موجودی حکایت ساز و رویا پرداز است. اصولا قدرت تخیل و تفکر این فرصت را به بشر ارزانی داشته تا امیال و آرزوهایش را در قالب اشکال هنری بازگو کند.
در آغاز نیاز باعث شد تا برای استقرار و ایستادگی در برابر حوادث و انگاره های طبیعی هنر را نقطه ی اتکا خود قرار دهد، اما به مرور زمان هنر در کشاکش دوران خود را یافت و دست انسان را گرفت و او را به جهانی سرشار از زیبایی و نشاط و هدایت کرد و به وی آموخت که چگونه از این نیروی شگرف انگیز و سفره ی گسترده سود برد و هفت اقلیم هنر را در نوردد و از آن مامنی برای خود بسازد تا به جهانی شدن برسد.
... اما سال هشتاد و شش شاهد دگرگونی اندیشه و بینش متحول شده ی هنرمندان در عرصه های مختلف هنری بودیم. صد البته که باید با شعف دل بگوییم: بوشهر، مهد هنر و هنرمند بوده و خواهد بود. باید پاس بداریم ارزش های خاموش اما پر فریاد این هنرمندان که بدون چشم داشت مالی این اریکه شگرف انگیز را رها نمی کنند و هر روز بر داشته های والای خود می افزایند و حتا تا بالاترین عرصه ی بین المللی پیش می روند و با صدایی رسا می گویند: اگر دست ما بسته است اما پایمان می تواند در برابر دریای خروشان همتای دست هامان باشد و گوهر هنر را با همه ی دشواری و چالش های پیش رو از دل آب های بیکران بیرون بکشد و با تواضع و فروتنی در طبق اخلاص بگذارد و تقدیم مخاطبان جهان دل کند.
در این مقال شتاب زده، رجعت به هنرمند است و به خلاقیت های اثبات شده او. آیا تولیدات هنری نمی تواند جایگاهی مناسب برای معرفی ارزش ها و تجارب ممتاز باشد و شان انسان را ارتقا بخشد...
– بخش فیلم سازی: فعالیت های واحد فیلم و عکس حوزه هنری استان بوشهر با مسوولیت و هماهنگی داریوش غذبانی در سالی که گذشت چشمگیر و قابل توجه بود. به بخشی از کارهای تولیدی این واحد اشاره می کنیم:
فیلم سفر به نویسندگی سید محمد حسین زاده و کارگردانی مهتاب ابراهیم زاده، توقف نویسنده و کارگردان مسعود عرب زاده، برگ خشک نویسنده و کارگردان مهدی خیر اندیش، آب نویسنده و کارگردان لطافت حاتمی نژاده، نبض کاری از سید خلف هاشمی، چشم کاری از لطافت حاتمی نژاد، ماهی کاری از محمد صادق زیارتی، نگاه سبز نویسنده، و کارگردان غلامرضا احمدی، میراث کاری از سید خلف هاشمی، نون و نقاشی کاری از عبدالمحمد انصاری، در کنار ساخت فیلم های کوتاه، نمایشگاه عکس نیز برگزار گردید. نمایشگاه عکس از محرم تا صفر با آثاری از هنرمندان عکاس محسن کیانپور، محمد یوسفی، هزاره زندویان، سجاد حیدر زاده، خلیل گلستانیان. نمایشگاه محرم دوم با آثاری از محمد رکنی، محسن کیانپور، خلیل گلستانیان، محمد یوسفی، سید محمد فاطمی، شهرام ملکی زاده، عبدالرحیم رضا زاده، مهدی امانی، هزاره زندویان، نصرت زمان وادی، لیلا خرمایی پور، زیبا غفارزاده، و حمراوی. برگزاری نمایشگاه عکس زنان درعاشورا با آثاری از لیلا خرمایی پور.
در سال ۱۳۸۶ کارگاه عکس حوزه ی هنری شروع به فعالیت نمود. فعالیت های سینمایی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر در سال گذشته: افتتاح ساختمان سینمایی جوانان دشتستان، نمایش فیلم اعتیاد در شهرستان ها، جشنواره فیلم دفاع مقدس، جشنواره فیلم و عکس موبایل، گرامی داشت روز سینما در مرکز استان، برگزاری سی و هفتمین جشنواره فیلم رشد در شهرستان های استان.
بخش تئاتر: در سال ۸۶ شاهد جشنواره تئاتر استانی ماه به همت حوزه هنری بودیم. دوگ، نویسنده محمد لطفی به کارگردانی غلامرضا احمدی، آلبرت، نویسنده و کارگردان رضا بهار لو، می خواهم تنه باشم، نویسنده و کارگردان مرتضی فیروزی، بودن یا نبودن نویسنده و کارگردان پولادی.
بزرگ ترین رویداد تئاتری در سالی که گذشت جشنواره ی تئاتر منطقه چهار کشور بود که از تاریخ ۱۲ الی ۱۶ آذر ماه و به همت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی در مجتمع فرهنگی به اجرا درآمد و مخاطبان زیادی را به خود مشغول نمود. بگرد تا بگردیم از فارس، قلوها از کرمان، وقتی کنارها سنگ می شوند از خوزستان، پرنده سرخ از خوزستان، آسانسوراز چهار محال، تعمید شب از هرمزگان، سیاوش خوانی از فارس، رویای بی خوابی کاری از لرستان، کژال از ایلام، جزوم از هرمزگان، خانه پدری از خراسان جنوبی، باغ وحش شیشه ای از کرمان، غربتی ها از اصفهان، داوری این جشنواره را آقایان داریوش مودبیان، دکتر اردشیر صالح پور، عبدالهی شماسی، و محمد حاجیان تشکیل می دادند.
یازدهمین جشنواره تئاتر دانشجویان جنوب کشور به مرکزیت بوشهر و با داوری آقایان جهانشیر یاراحمدی، شهرام زرگر و رضا مهدی زاده و به همت دانشگاه خلیج فارس با کارهای زیر انجام گرفت.
سوفیای من نوشته نصرا... قادری و کارگردان اسما بناری از بوشهر، سریال نویسنده و کارگردان صادق بهاری از بوشهر، خط آخر نویسنده و کارگردان مجتبی رستمی فراز خوزستان، بلیط تئاتر نویسنده کارل فالنتین کارگردان الهام حسین پورقشقایی از فارس، قطاری برای تمام فصول نویسنده علیرضا خنیفی و کارگردانی لیلا تهمتن زاد از بوشهر، ری را نویسنده امین بهروزی و سجاد افشاریان کارگردان سجاد افشاریان از بوشهر، افسون معبد سوخته نویسنده نغمه ثمینی کارگردان اکرم نصرالهی از فارسان، محو و فوکوس نویسنده و کارگردان اورنگ نارکی و میثم فرهمندیان از گچساران، مست قلندر نویسنده امیر شایان مهربه کارگردانی بابک سعیدیان از کرمان، بگرد تا بگردیم نویسنده علی اکبر سلیمان پور کارگردان حسین توحیدی از شیراز.
در سال ۱۳۸۶ شاهداجرای نمایش درخارج از استان بودیم: فانوس خیال نویسنده غلامرضا احمدی کارگردان مهنازمعموری در جشنواره تک بیرجند که خانم لیلا خرمایی پور جایزه دوم بازیگری را دریافت نمود. درشکف نویسنده محمد لطفی کارگردان سید محمد موسوی در جشنواره ارتش در تهران این اثر موفق شد جایزه بهترین موسیقی را برای غلام رضا احمدی بیاورد. بنات النعش نویسنده محمد لطفی کارگردان احمد قربانی جشنواره آیینی تهران، معیب نویسنده محمد لطفی کارگردان سید محمد موسوی جشنواره فجر بخش مردمی. تمام اجراها به همت حوزه هنری بوشهر انجام گرفت.
اولین جشنواره اتوزنی به همت کارگاه نمایش حوزه هنری انجام گرفت و داوران این جشنواره مرتضی قاید پوری، آریا بهرام نژاد، مهدی صمیمی نژاد، تشکیل می دادند. رقابت کاری از مسعود کازرونی، شفا کاری از فرشته هاخانی، اعتیاد از میثم گزی، کلید از کهروبی، کلید از مهدی خیراندیش، آب درعاشورا کاری از خسرو یاسین زاده، اتحاد و انسجام کاری از اسماعیل تنگسیری، ۵ دقیقه کاری از امین چاهشوری، نذر کاری از غلام رضا خضری، رییس علی دلواری کاری از مسعود عرب زاده.
برنامه های تئاتری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی در سالی که گذشت: جشنواره تئاتر استانی و دفاع مقدس ، جشنواره تئاتر استانی، جشنواره تئاتر دینی ، جشنواره تئاتر دشتستان، جشنواره تئاتر طنز تنگستان، جشنواره تئاتر کوتاه گناوه.
بخش موسیقی: برنامه موسیقایی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر در سالی که گذشت: همایش پژوهش موسیقی بوشهر دراردیبهشت ماه، تجلیل از پیشکسوتان موسیقی، جشنواره موسیقی روز سینما درمرکز استان، تولید یازده قطعه موسیقی به مناسبت مشاعره رضوی. سال گذشته مرکز موسیقی حوزه هنری به سرپرستی نوازنده ی چیره دست نی انبان محسن حیدریه موفق به اجرای برنامه های موسیقایی شد که به بخشی از آن اشاره می کنیم.
اجرای گروه موسیقی محلی شبدیز در جشنواره حماسی خرم آباد، کنسرت هنرجویان رشته موسیقی به سرپرستی مفتاح، کنسرت موسیقی محلی شبدیز در جشن عید غدیر در شهر سیرجان، اجرای گروه موسیقی محلی در بوشهر، نمایشگاه کتاب عسلویه، همایش موسیقی مذهبی و تجلیل از نوحه خوانان پیشکسوت آقایان باقر آرامی و احمد خسرویان.
بخش نقاشی و خط وعکس: برنامه های نمایشگاه اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان در سالی که گذشت: نمایشگاه عکس خیابانی در خرداد ماه ویژه فتح خرمشهر، نمایشگاه عکس شهدای هفتم تیر، بر پایی ایستگاه نقاشی ویژه کودکان و نوجوانان، ایستگاه بزرگ نقاشی، نمایشگاه نقاشی کودک و هنر، نمایشگاه هنرهای تجسمی دهه فجر، نمایشگاه خوشنویسی دهه فجر، نمایشگاه عکس ایدز و اعتیاد، نمایشگاه عکس جلوه های عزاداری سنتی دراستان بوشهر، برگزاری نمایشگاه عکس انقلاب در مراکز شهرستان ها، اولین مسابقه عکس حوادث ترافیکی.
در بخش نقاشی با مسوولیت علی ایزدجو درحوزه هنری شاهد اجرای نمایشگاه های مختلفی از هنرهای تجسمی بودیم که خیل فراوان مخاطب را به سالن نمایشگاه هدایت نمود. شانزدهم مهر ماه روز جهانی کودک نمایشگاه و ایستگاه نقاشی کودک به مدت یک هفته با تلاش خانم زندویان، نمایشگاه بزرگسالان به مدت یک هفته به همت خانم ظریف پور، نمایشگاه من و محرم آثار دو خواهر دو قلو به نام های فائزه و فاطمه حیدر زاده، به مدت یک هفته. افتتاح کارگاه نقاشی کودک درهنر سرای بهمن، آثار نقاشی حسن قلی پور، و نمایشگاه خط محمود نادری از دیگر رویدادهای هنر نمایشی در سالی که گذشت، بود.
شعر و ادبیات و شروه: برنامه های انجام شده واحد شعر و ادبیات حوزه هنری به سرپرستی ابراهیم بردبار.در سالی که گذشت شورای تخصصی شعر و داستان در حوزه هنری فعالیت خود را آغاز نمود. طراحی و اجرای بانک اطلاعاتی شاعران و نویسندگان جوان استان عمده ترین حرکت شهر اهرم، برگزاری شب شعر با نام خیمه گاه خورشید با موضوع عاشورا در کتاب «آوازهای زخمی» مجموعه سروده های عاشورایی.
برنامه های شب شعر و ادبیات اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی در سالی که گذشت: بر پایی شب شعر فتح با حضور شاعران در گرامی داشت فتح خرمشهر، تجلیل از شاعران شعر فتح، شب شروه ی یاد یار در خرداد ماه، شب شروه ویژه برنامه های هفتم تیر، مشاعره استانی دفاع مقدس، دومین جشنواره ملی مشاعره رضوی، جشنواره شعر دفاع مقدس، اولین جشنواره شعر محلی سنگار افتو در دیلم، شب شعر و مشاعره ویژه بانوان با عنوان بانوی باران، شب شعر عصر دلتنگی ویژه گرامی داشت مرحوم قیصر امین پور، شب شعر استانی در شهرستان جم. چاپ کتاب اشعار شاعران استان بوشهر در وصف پیامبر اسلام.
رویدادها: در سال ۸۶ شاهد اجرای دومین جشنواره داستان های کوتاه به همت انجمن اهل قلم بودیم. دراین رویداد داستانی، از نویسنده و رمان نویس خوشنام بوشهری آقای محسن شریف تجلیل به عمل آمد و تعداد بیست و هفت اثر کوتاه از نویسندگاه بوشهری داوری شد و به شش کار برتر جوایزی اهدا گردید. بیمار نوشته منصوره حکمت شعار اول شد و جایزه دوم مشترکا به خانم سعدزاده برای داستان عزل و سینا برازجانی برای داستان کوتاه اشک های ما بعد الرحمی رسید و نفر سوم هم حسن مختارزاده شد برای داستان تپه های شنی. لازم به ذکر است که داوری این جشنواره را آقایان محسن شریف، خورشید فقیه، فرشید جان احمدیان محمود سعید نیا، و نگارنده ی این سطور تشکیل می دادند. این جشنواره در نوع خودش قابل تعمق بود.



در تمام طول سال و دوشنبه های هر هفته همانند ده سال گذشته نشست های ادبی دوشنبه های نسیم جنوب با استادی محمد حسن آرش نیا همچنان در دفتر هفته نامه نسیم جنوب برپا بود و محفلی بود برای گردهم آمدن شاعران پیر و جوان، همچنین در این سال مراسم دوستداران حافظ شاخه بوشهر با سخنرانی حافظ شناسان انجام می گرفت. از جمله برنامه های این انجمن اجرای موسیقی ایرانی توسط حسام حق پرست بود و تحلیل حافظ از نگاه دکتر جعفری که همیشه مورد استقبال مخاطبان قرار می گرفت. سخنرانی رضا معمتد شاعر برجسته و راقم این سطور نیز از جمله برنامه های انجمن دوستداران حافظ بود.
یکی از رویدادهای مهم تئاتری استان اجرای نمایش غریبه ی شام به کارگردانی استاد ایرج صغیری و همت اداره کل فرهنگ وارشاد اسلامی بود که به مدت پانزده شب در تالار مجتمع فرهنگی و هنری اجرا شد. در همین سال و در ارتباط با هنر و هنرمند نشریاتی به چاپ رسید که شاید بشود مجموعه روایت صحنه و فصل نامه پژوهشی تاتر بوشهر را که به همت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و سردبیری و زحمت شدید جهانشیر یاراحمدی انجام گرفت شاخص ترین باشد.
از جمله رویدادهای مهم سال ۸۶ که خود نقطه عطفی درهنر سینمای فیلم های کوتاه این استان به حساب می آید می توان شروع و خیزش مطلوب ومناسب برای دوستان وعلاقه مندان به سینما باشد. برگزیده شدن فیلم بومرنگ داریوش غریب زاده فیلم ساز نام آشنای بوشهر که توانست سیمرغ فیلم کوتاه جشنواره بین المللی فجر را به خانه بیاورد. و دل مردم را در استان نوروز ۸۷ شاد کند.
در این سال از هنرمندان زیر از طریق اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی تجلیل به عمل آمد. تجلیل از پژوهشگران استان، تجلیل از پیشکسوتان موسیقی استان، تجلیل از جلال ذالفنون، تجلیل از کارمندان اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر، تجلیل از مولفان علوم قرآنی، تجلیل از داریوش غریب زاده فیلمساز بوشهری، نخستین همایش تجلیل از خادمان فرهنگ عمومی، تجلیل از شریف نویسنده بوشهری.
اما سال ۸۶، سال تاسف و تالم نیز بود. در این سال هنرمندان تئاتر در سوگ دو هنرمند، زنده یادان علی دشتی و حمید لطفی به ماتم نشستند و این دو گوهر بی نظیر هنر را با هجرت تلخ بر شانه تا قطعه هنرمندان همرایی نمودند. لازم می دانم درهمین جا مجددا به خانواده هر دو هنرمند تسلیت عرض نموده و بقای همه آنان را آرزو مند باشم. خصوصا نویسنده توانای تئاتر، آقای محمد لطفی که در سوگ برادر به تلخی گریست.

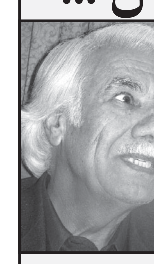
حمایت از تئاتر دینی از شعار تا واقعیت

محمد مظفری



محرم و صفر که می رسد شور حسین به سرت می زند، همه کار می کنی برای حسین، مسجد، تکیه، سینه زنی، نذری و... ولی باز هم انگار هیچ کار نکرده ای این ها ارضایت نمی کند.
دوست داری متفاوت باشی، باید رسالت هنر را پیاده کنی، تئاتر متعهد، عشقت تئاتر است، هنر مردمی ، نذر می کنی تا تئاتررا تکیه کنی با حضور مردم برای بزرگداشت عزای حسین، بچه ها جمع می شوند با هم یا علی می گویند، کار حسین زمان و مکان نمی شناسد، بزرگ و کوچک نمی شناسد ۴۰ نفر شاید، شب و روز تمرین می کنیم برای ساختن تئاتر در سوگ حسین، برای بردن منبر به روی صحنه، برای دل های عشاق تا ثابت کنیم تئاتر فراتر از منبر است، لباس ، نور، دکور، هزینه باید پشتوانه ای باشد.
شب های اول محرم بر صفحه تلویزیون وزیر، معاون و ...ندا می دهند که تئاتر عاشورایی امسال تنهاست، میلیارد ها ریال برای تئاتر دینی اختصاص داده ایم. می رویم سراغ متولی تئاتر، اعتباری ندارند و می دانی که دروغ نمی گویند از اعتبارعاشوراییان چیزی دست آن ها نیست و شاید اختیاری ندارند، ناامید نمی شویم، نباید کم بیاوریم، فرماندار، بخشدار ، رییس ، وکیل همه و همه بین شعارهایشان تا عملشان زمین تا آسمان است. چیزی دستگیرمان نمی شود. بعضی ها جواب سلاممان را هم نمی دهند.
خودمان دست به کار می شویم، دست ها در جیب، همت عالی، همه مان بچه ها هئیتی هستیم. حتی کوچکترها هم پول توجیبی مدرسه شان را برای بزرگداشت عزای حسین نذر می کنند.
اعتبار، دکور، نور ، لباس با همت خود بچه ها تا حدودی مهیا شده ، دکوراسیون درست می کنیم.
فرصت یک ماهه می دهند. همه این مشکلات لحظه ای در نیتمان خللی وارد نمی کند ما قراردادمان با خود صاحب عزاست نه با مرکز ... روزی سر تمرین عاشقی می آید، تمرین را می بیند، منقلب می شود دست در جیب می کند چند اسکناس نذر مولایم است چه کسی بهتر از شما. بیش از این ندارم.
نمی دانیم چه کار کنیم اشک در چشمانمان حلقه می زند. چند شب بعد متولی هنر بر صفحه تلویزیون دوباره حاضر می شود. از تئاتر دینی می گوید و اعتباری که برای آن گذاشته اند، او می گوید اولویت ما در شهرستان هاست! او می گوید میلیون ها تومان برای تئاتر عاشورایی اختصاص داده ایم ولی باز متولیان هنر استان دستشان خالی است می خواهند کمک کنند، قول می دهند، حمایت مادیشان هم به ما قوت قلب می دهد. روزموعود فرا می رسد ، بدون این که تراکت، پوستر، بنر یا پلاکارد های هفت رنگ درشهر بزنیم و بیلبوردهای چندین متری را کرایه کنیم سالن اجرا مالامال از انسان های عاشق می شود.
یک شب بیاد ماندنی ، و شب های بعد ، همه شب.
این جا صحنه تئاتراست مکانی فراتر از منبر، مجلس عزای حسین ، این جا درس انسانیت می دهند .
نرفتن زیر بار ظلم، این جا عاشقان برای مظلومیت حسین ضجه می زنند، ناله می کنند و اشک می ریزند.
در پایان نمایش عاشقان حسین با چشم های سرخ دستانمان را می فشارند، دعایمان می کنند، نذرتان قبول خستگی از تنهایمان بیرون می رود. خدایمان را شکر می کنیم. چند روز بعد قرار می شود در بوشهربه اجرا برویم. سالن اصلی در گیر است، یک سالن دیگر مانده آن هم متولیش یک سازمان فرهنگی و هنری است و البته مذهبی، سازمان تبلیغات، قبول نمی کنند، زیر بار نمی روند، می گویند نمی گذاریم تئاتر اجرا شود حتی تئاتر دینی! آن شب باز متولی بر صفحه تلویزیون ظاهر می شود و آمار می دهد. ما به تئاتر دینی کمک کرده ایم!
خبر می دهند در جشنواره تئاتر دینی باید شرکت کنیم بعضی ها مخالفند. می گویند کار ما کار دل است نذر است، عشق است، رسالت است، ما را چه کار به جشنواره، کوچکترها دوست دارند شرکت کنند شاید سفری دو سه روزه و شرکت در جشنواره خستگی این چند ماه را از تنشان بیرون کند . داوران می آیند بازبینی می کنند می پسندند، کار شما انتخاب شده است.
کوچکترها خوشحال می شوند بعضی از بزرگترها هنوز مخالفند، بچه ها خودشان را مهیای شرکت در جشنواره می کنند. چند روز بعد به ما می گویند، شما تعدادتان زیاد است فقط ۱۰ نفر می توانید در جشنواره شرکت کنید! درغیر این صورت از جشنواره حذف می شوید! بچه های کوچکتر انگار آوار روی سرشان خراب شده است. بحث کردن هیچ دردی را دوا نمی کند. انگار نه انگار تئاتر دینی است بچه ها ناراحت می شوند. می گویند حرمت ها حفظ نمی شود. مروری می کنم بر این چند ماه که با چه مشقتی نمایش دینی مان را به سرانجام رساندیم، چند شب بعد دوباره متولی هنر در ساعت پر بیننده تلویزیون بر صفحه ی تلویزیون حاضر می شود و آمار می دهد ما میلیون ها تومان به تئاتر عاشورایی کمک کردیم، دلم می گیرد.
تئاتر دینی مظلوم است، بچه های شهرستان مظلوم هستند کی به شعار ها عمل می شود!؟

امید، گندم امسال ...



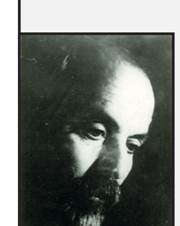
عبدالمجید زنگوئی

امید، گندم امسال قد برافرازد
که از تکامل هر تخم
صد، بل که بیش برخیزد
و نان سفره ی دهقان سالها دیده
مشام کوچه ی جان را به عطر بنوازد
امید
که شاخه های درختان
به کوه و دشتستان
به بار بنشیند
و مریم و گل و نرگس
حریر شادی را
به دشتزار به ارمغان آرد
و جنگل انبوه
سرود سبز بهاری را
به دورتر آفاق
روانه گرداند

مباد زوزه و خشم و تهاجم سرما
صفای جنگل سرسبز را بخشکاند
و شور و همهمه و قیل و قال شیرینش
خموش بنماید
امید
صدای هلهله و بانگ روحبخش بهار
زمین خفته و خاموش را
زخواب سرد زمستان
کند بیدار
و شور و شادی ها
به جای رخوت و سستی
بگستراند فرش

امید
گندم امسال قد برافرازد
و آیه های نجابت
به قلب شهر و دیار
و جای جای صحاری
نفوذ بنماید
و رود
– رود خروشان –
ترانه خوان ودلیر
به پهنه ی دریا
گام بگذارد.

موج و نسیم

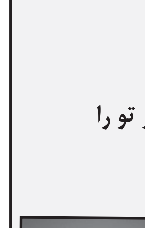


محسن دلواری

دریای سر و سبز نگاهت ایستاده ام
گوش می کنم
به نجوای سکوتی که بین ما طلوع می کند
چه کرده ای که هنوز دیر باورم
و مرا میل راز و رازیانه گرفته است
ایستاده ام کنار جاده ای
که انتهایش به لبخند بی روح تو پیوند می خورد
با عطری که پخش می شود میان موج و نسیم
سه قطره خون
می ریزد از گلوی تشنه ام
شکل تو می شود
و بوی حیرتی که می شناسمش
پشت به ماه می کنم
بیرون می آیم از حافظه ی شب
سرازیر می شوم به دره ای که عطر تو را
پخش می کند در فضا

زمین

پرویز انبارکی



هنگامی که
خورشید
چهره ی زیبایش را
همراه با فواره های نور
از فراز کوه های بلند
روی تن محجوب زمین
که حجابش را
از برف های بلورین زمستان
برای چندی
به مهمانی گرفته است
می پاشد
برف ها از ریزش
آرام بخش نور خورشید
همچون سرشکی
از سر سوز عشق
از گونه های بلند زمین
قطره قطره
سرازیر جاری می شوند
و در حالی که
خطی آسمان
میان سینه ی زمین
به یادگار می گذارند
در دل دریا حبس می شوند
و دامن دیبای بهار را
به زمین هدیه می دهند
تاعریان نماند
و تن لختش را
تابستان مغرور
از سر تحقیر
ننگرد

ترانه های دلپذیر و نغمات شور انگیز

وجوه تشخیص رباعیات خیام

ناصر علیخواه



سابقه ی ترجمه ایران به پیش اسلام می رسد گرچه از آن ترجمه ها، در حوزه های مختلف، مستندات قابل توجهی در دست نیست اما گزارش های تاریخی به ما می گوید یکی از عوامل پیشرفت های پزشکی، اقتصادی و شهرسازی از دوران تبادل فرهنگی حاصل از ترجمه بوده است. اما آن چه اکنون به عنوان ترجمه و رویکرد مترجمان ایرانی می شناسیم محصول نهضت ترجمه دوران قاجار است و این حرکت از مشروطه نیز تداوم یافت و بیشتر شد و در دوران پهلوی بیشتر معطوف به حوزه های علم غربی و ریاضیات انجام گرفت. و پس از انقلاب ۵۷هم گسترده موضوعات و حوزه هایی که مترجمان به سراغشان رفتند گسترش یافت و با توسعه دانشگاه ها و مراکز آموزش علمی نیاز مترجمان بیشتر احساس می شد و ترجمه آثار ادبی که محور اصلی ترجمه روند ترجمه ادبی در ایران هستند در نیم قرن اخیر تحولات بسیاری را پشت سر گذشته اند و اکنون مترجمانی که در ایران قلم می زنند که آثار درخشان را با ترجمه ای واحد باز آفرینی و در زبان فارسی ارایه می دهند. این مقدمه بدان اندیشه نگاشته شد که سال ها است نام فیتز جرالد که به ترجمه رباعیات خیام اهتمام ورزیده است که در گذشته خیلی در حتا بیش از دو سده به ارزش و اهمیت اندیشه خیام پی برده و ترجمه آن حکیم فرزانه که در این جا منظور رباعیات اوست اهتمام ورزیده است. فیتزجرالد از همان آغاز محو شعر خیام شد و این از یک جهت به خاطر آن بود که این اشعار گریز گاهی بود که معلم وی(کاول) به وی گفته بود که میان ایران و عمر خیام و ایرلند و نیاکان وی پیوندی هست، صرف نظر از رابطه خیال آمیز ایرانیان و ایرلند، رباعی که از قدیمی ترین قالب شعر فارسی است دانشمندان آن وزن را وزنی مقبول و مطبوع دانسته اند که: نفوس نفیس را بدان رغبت است و طبایع سلیم را بدان میل وعده ای آن را یک وزن خالص و ناب ایرانی دانسته اند و اگر بپذیریم که مبدع و اختراع کننده ی آن چنان که نوشته اند، رودکی سمرقندی بوده است که اولین شاعر کامل عیار فارسی محسوب می شد می توان گفت که آغاز تولد رباعی با آغاز تولد شعر فارسی قرین است. شمس قیس در المعجم فی معابیر شعر عجم می گوید که رودکی یا شاعر دیگری این وزن را از زبان کودکی شنیده است که چون گردوهایی خود را به سوی سوراخی می غلتانیده به ترنم می گفته است: غلتان غلتان همی رود تا بن گو.
باید تصور نمود که حتا در آن زمان وزن رباعی عامیانه رایج بوده است، که کودکان نیز از آن آگاهی می داشته اند.
معلوم نیست که خیام از کی به شاعری پرداخته است و چرا دست کم در زبان فارسی جز رباعی نسروده است که امروز شهرت خیام به عنوان شاعر و سراینده رباعیات چنان در اقصار جهان پیچیده که خیام دانشمند و فیلسوف را تحت شعاع قرار داده است.
خیام در یکی از رباعی هایش اشاره ای به این دنیا و اوضاع و احوال روزگار خود داد که از نظرزیبایی و پر محتوایی مفهوم آن حیفم آمد که با آن نپردازم، و در آن رباعی می گوید: دنیا دیدی، و هرچه دیدی هیچ است بیهقی گفته است این طور که به نظر می رسد خیام با همه علم مقام علمی و احترامی که در میان همگان و بزرگان داشته از وضع زمانه و فضای علمی آن روزگار راضی نبوده است، و شرایط موجود را مانع پیشرفت کارها و تحقیقات علمی خود می دانسته است، که از اهل علم فقط عده ی کمی مبتلا به هزار رنج ومحنت باقی مانده و بیشتر عالم نمایان زمان ما حق را به جامه ی باطل می پوشند و گامی از حد خود نمایی و تظاهر به دانایی فراتر نمی نهند .
روان شاد استاد مجتبی منیوی در مقدمه نوروز نامه خیام می نویسد: عمر خیام یگانه بلبل دستان سرای گلشن شعر و شاعری ایران است. که ترانه های دلپذیر و نغمات شور انگیز او دنیاپسند است. تاکنون هیچ یک از شعرا و نویسندگان و حکما و اهل سیاست این سرزمین به اندازه او در فراخنای جهان شهرت نیافته اند. خیام تنها متفکر ایرانی است که زنده و پاینده بودن نام و گفته و او در میان تمام دنیا مسلم است نه در پس و پیش شرق شناسان و علما و ادبای مغرب زمین بل که در نزد عامه کسانی که با خواندن و نوشتن سرو کاری دارند شاید بیش از یک نیمه متمدنین عرصه گیتی به نام او آشنا و با رباعیات که حکیم از وی ذوق طبعی سرود است مفتون اند.می توان گفت وی تنها سخن سرای ایرانی است که همه دنیا او را متعلق به نوع بشر و غیر مخصوص به ملت و مملکت معین می دانند و در زمره ی شعرای درجه اول به شمار می آورند. ایران باید به خود ببالد که در آغوش خویش چنین گوینده ای پرورده که مایه سرافرازی و بلند آوازگی جاودانی او گردیده است.
زندگی خیام: نامش غیاث الدین ابوالفتح (عمر بن خیام) نیشابوری. نوشته اند وی بنابر تحقیقات جدید ۴۳۹ قمری درگذشته و حجما ۸۳ سال در این جهان زیسته است بنا به مندرجات چهار مقاله عروضی وی در سال ۵۳۶ ه– ق در گذشته زیرا می گوید مزار اودر سال ۵۳۰ هجری قمری ۴ سال پس از مرگش زیارت کرده است.
قالب شعر او که به رباعی شهرت یافته تقریبا دیوان هیچ شاعری از رباعی خالی نیست و به دو صورت تجلی کرده است یکی آن که از چهار مصراع آن قافیه ی واحد دارد و دیگر آن که مصراع اول و دوم و چهارم هم قافیه و مصرع سوم آزاد است.
اینک تنها مبنای کار محققان برای گزینش رباعیات خیام و پی بردن به شیوه اندیشه او و همانا مراجعه به قدیم ترین آثار نوشته ها و مجموعه هایی است که رباعی های خیام را به تصریح ذکر کرده اند. قدیمترین سندباد ظهیری سمرقندی مکتوب به سال ۵۵۵ هجری قمری است . اکنون نمونه هایی از آن رباعی های خیام خواهد آمد :

چون نیست مقام ما در این دهر مقیم
پس بی می و معشوق خطایی است عظیم
تا کی زقدیم و محدث امید و بیم
چون من رفتم جهان چه محدث چه قدیم

یا:

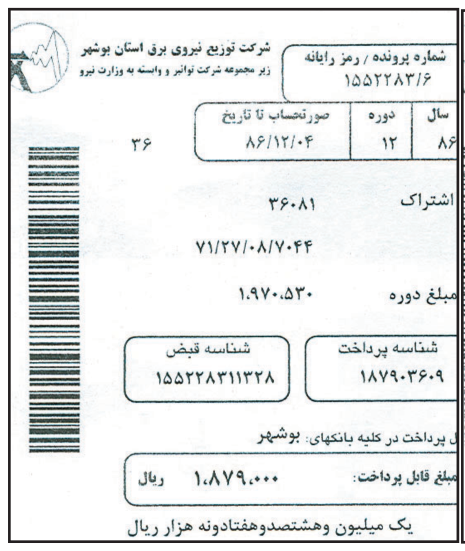
هرگز دل من زعلم محروم نشد
کم ماند زاسرار که مفهوم نشد
هفتاد و دوسال فکر کردم شب و روز
معلومم شد که هیچ معلوم نشد

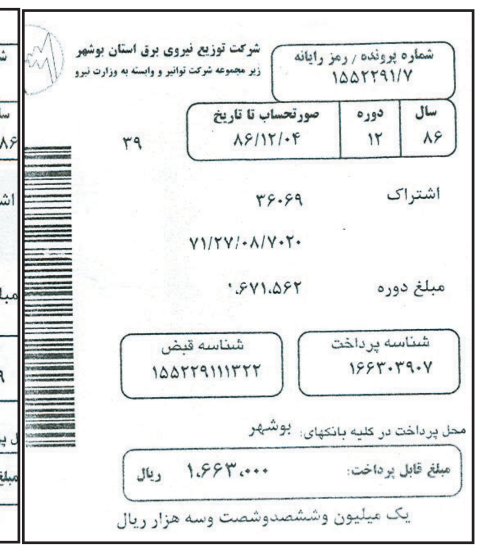
منابع: رباعیات خیام نوشته آرتور کریستن دانمارکی – ترجمه دکتر فریدون بدره ای
بررسی انتقاد خیام ترجمه فریدون بدره ای چاپ قوس ۱۳۷۴

شهروندان بوشهری عیدی خود را از اداره برق گرفتند

قبض های چند صد هزار تومانی برق، عیدی نوروزی دولت به بوشهریها

نزدیک عید است و عیدی مردم هم خیلی زود رسید. عیدی اداره برق به مردم ۱۸۰، ۱۶۰، ۸۰، ۱۵۰ ، ۲۰۰ و همه هم از نوع هزار تومانی.
چه شود امسال...
اگر یادتان باشد اواخر دی ماه بود که یک گزارش مردمی را از تعرفه های جدید برق در هفته نامه نسیم جنوب به چاپ رساندیم . افزایش تعرفه های برق در زمستان امسال نسبت به سال گذشته که اداره برق از اطلاع رسانی اش می گفت و مردم از عدم اطلاع رسانی شان و یا کم اطلاع رسانی شان در این زمینه می گفتند.
اما هر چه بود گذشت و اداره برق منتظر چنین روزی بود که مردم به دلیل صدور قبوض بالای برق به اعتراض بپردازند و آن روز هم فرا رسید.
پنج شنبه گذشته بود که بیش از چندین نفر از شهروندان بوشهری به دلیل صدور قبوض بالایشان در مقابل ساختمان مدیریت برق تجمع کردند و نسبت به این موضوع معترض بودند و خواستار روشن شدن این قضیه بودند، اما کسی نبود که به آنها پاسخ روشنی دهد و آنها را در جریان این قضایا قرار دهد.
همه درگیر انتخابات بودند و بس...
و اما شرح ماجرا:
فصل سرما تمام شد ولی در ازای این دو ماه سرما در بوشهر شهروندان بوشهری هزینه های زیادی را متقبل شدند و هنوز مشخص نیست که باید این هزینه سنگین را بپردازند یا نه؟
قبض ها یکی پس از دیگری به دست مشترکین خانگی می رسد و در عین ناباوری رقم درشت قابل پرداخت را نشان می دهد و شوک بزرگی را به مشترکین خانگی وارد می کند.
اما مردم حاضر به پرداخت این مبلغ نیستند چرا که توجیه مردم در این خصوص بسیار مشکل است، آن هم در آستانه نوروز که فصل مخارج زیاد است دیگر توانی برای پرداخت هزینه های سرسام آور برق نمی ماند ولی کار از کار گذشته، برخی از مردم قصد پرداخت کردن قبض های ۱۸۰ یا ۱۶۰ یا ۸۰ یا ۱۵۰ و یا ۲۰۰ هزار تومانی را ندارند. آنها تنها برای روشن شدن مسئله به مدیریت برق آمده اند.
با قبض های برقی که در دست دارند تنها جواب چراهایی را که در ذهن دارند می خواهند و مدام قبض دو ماه پیش خود را که زیر ۱۰ هزار تومان است را با قبض جدیدی که دیروز به دستشان رسیده و بیش از صد هزار تومان می باشد مقایسه می کنند.
و باز هم می گویند ما نمی توانیم این پول را پرداخت کنیم.
دوست دارند حرف دلشان را بزنند تا جوابگویی پیدا شود اما چنین فردی را پیدا نمی کنند.
قبض ها را به همدیگر نشان می دهند و به دنبال پیام رسانی می گردند تا پیامشان را به گوش مسئولین برساند.
– قبض برق من در عرض دو ماه ۱۷۹ هزار تومان آمده در صورتی که آنقدر مصرف برق ما کم است که در طول یک سال هم به این مقدار نخواهد رسید.
چه طور است که برای مصرف ۱۴۹۰ کیلووات، ۶۵۰۰ تومان حساب می شود اما برای ۱۸۰۰ کیلووات، ۱۷۹۵۰۰ تومان؟
اگر این آقایان اداره برق می گویند تعرفه ها تغییر کرده چطور است که برای همسایه بنده ۱۰ هزار تومان آمده اگر واقعا تعرفه ها تغییر کرده باید برای همه تغییر کرده باشد نه تنها برای عده اندکی...
این قدر نوسان برای چیست؟ تازه ما سه نفر هستیم به نظر شما مصرف برق برای ۳ نفر چقدر است؟
شاید هم توانایی مالی من خوب باشد و بتوانم این مبلغ را بپردازم اما به خدا من پول ناحق به هیچ کس نمی دهم.
خیلی ها هستند که من باید نزدیک عید به آنها کمک کنم و به جای آنکه این پول را در گلوی اداره برق بریزم به چند یتیم کمک می کنم.
۶ هزار تومان کجا و ۱۷۹ هزار تومان کجا...
اختلاف بسیاری بین این دو رقم وجود دارد.
تمام برنامه های ما را خراب کرده بالاخره یکی باید جوابگوی مردم باشد، اما هیچ کس جواب درستی نمی دهد، می گویند بروید و بعد از انتخابات بیایید این همه راه را از بهمنی آمدم باید جوابم را بگیرم و بروم. (شهروند)
– اگر واقعا ماده و یا تبصره ای وجود داشته باشد نشان دهند و من را روشن کنند آن هم با دلیل.
دو سال پیش هم این مشکل به وجود آمد و هزینه برق ما در طول ۲ ماهه زمستان ۵۰ هزار تومان آمد اما تنها کاری که برای ما کردند دو قسط کردن قبض ها بود مردم هم سرشان را زیر انداختند و رفتند و با قسط بندی کردن قبض هایشان، بدهی شان را به اداره برق پرداخت کردند اما من امسال نمی توانم این مقدار را بپردازم .
می گویند بروید بعد از انتخابات بیایید الان می خواهند مردم را متفرق کنند و بعد از انتخابات هم هیچ کاری انجام ندهند.(شهروند)
– انتظار دارند که مردم بیایند رای دهند و بعد از آن بگویند به دلیل پیگیری های فلان نماینده به مشکلات برق رسیدگی کرد. بنده هر دو ماه یک بار ۱۲۰۰ تومان برای هزینه مصرف برق می دهم اما در قبض دیروز ۸۰ هزار تومان نوشته شده؛ اولش باورمان نشد اما چطورممکن است زن و شوهری که مصرف آن چنانی ندارند و از صبح تا شب هم سر کار هستند مصرف برقشان ۸۰ هزار تومان شود؟ یعنی قبض برق ما نسبت به دو ماه پیش ۸۰ برابر شده؟
ما فقط دو نفر هستیم و از شهر تبریز برای بدست آوردن چندرغاز پول به اینجا آمدیم ضمن اینکه مستاجر هم هستیم.
بنده از صبح تا شب کار می کنم ماهی ۱۰۰هزار تومان حقوق می گیرم اگر بخواهم ۸۰ هزار تومان آن را هم بدهم چقدر دیگر برایم باقی می ماند.(شهروند)
– همسر بنده بازنشسته است ماهی ۳۰۰ هزار تومان می گیرد، الان هم راننده است ما از کجا باید بنالیم...
آن هم از قبض های تلفن، این همه می رویم و می آییم هیچ ترتیب اثری نمی دهند فقط آن را قسط بندی می کنند و ما هم مجبور می شویم سکوت کنیم.
پول برق من قبلا ۹ هزار تومان می آمد الان ۱۶۰ هزار تومان آمده خودتان حساب کنید چقدر اختلاف بین این دو است؟ آیا شهرهای دیگر هم به همین صورت است تهران، شیراز، اصفهان آیا برای مردم آنها هم به همین مقدار قبض صادر می شود چرا باید این طور باشد نیاز نیست که اداره برق کاخ چند طبقه بسازد که سودش را ازما بگیرد. چقدر سکوت کنیم؟
همه اش می گوییم که اشکال ندارد آخر تا کی؟ ما از خود مان و بچه هایمان می گذریم تا بتوانیم این قبض ها را پرداخت کنیم چقدر جلوی آنها را بگیریم.(شهروند)
این عده وقتی دیدند با ایستادن در کنار اداره برق به نتیجه ای نمی رسند به فرمانداری رفتند و تصمیم داشتند که بعد از آن به استانداری هم بروند.
طبق گفته شهروندان، نگهبانان از ورود همه آنها به فرمانداری جلوگیری کردند و تنها اجازه ورود یک نفر را به عنوان نماینده آنها دادند تا در این خصوص با فرماندار صحبت کند.
این شهروندان معترض، از این برخورد ناراحت بودند و بیرون از ساختمان فرمانداری منتظر آمدن نماینده خود بودند تا از این بلاتکلیفی نجات پیدا کنند.
و صحبت هایی که بین آنها رد و بدل می شد:
– به ما گفتند کسی اجازه ورود به فرمانداری را ندارد و بعد از انتخابات این مشکل رفع می شود، خرشان که از پل گذشت و انتخابات تمام شد می گویند که باید کامل پرداخت کنید.
– گفتند "قبض هایتان را پرداخت نکنید اما قبض بعدی درست می شود" مگر چنین چیزی می شود؟
– مهلت پرداخت ما تا ۸۶/۱۲/۲۸ است، اینجا که هیچ چیزی پیدا نمی شود امکانات کم است، گاز ندارند حداقل، پول برق را کمتر کنند!
– چرا این همه ظلم به بوشهر و مردم بوشهر می شود ما ۴ سال شیراز بودیم در تمام فصول سال برق و گاز هرکدام ۵-۶ هزار تومان می آمد یک سال است که به بوشهر آمدیم این هم از هزینه مصرف برق .
– برق را هم نیروگاه های گازی تولید می کنند اما در بوشهر نه گازش را به ما می دهند و نه برقش را .
بالاخره نماینده مردم آمد از پیش فرماندار برگشت و گفت: "در حال حاضر مبلغ قبض های برق را پرداخت نکنند و اگر برقتان قطع شد بیایید همین جا، ما جوابگو می شویم."
فرماندار گفته که با اداره برق در این خصوص صحبت شده و درخواستی هم به تهران داده شده اما هنوز جواب آن نیامده است.
مردم به این پاسخ فرماندار اعتماد کردند و راهی خانه هایشان شدند.
بعد از آن بسیار تلاش کردیم تا در این زمینه با خود فرماندار هم صحبتی داشته باشیم اما با توجه به قرار گرفتن در آستانه روز انتخابات، امکان صحبت با فرماندار وجود نداشت حتی به صورت مکالمه تلفنی، معاون ایشان نیز در جریان قضیه نبود.
حالا بوشهریها مانده اند با قبض های چند صد هزار تومانی در دست...


شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر
زیر مجموعه شرکت توانیر و وابسته به وزارت نیرو
شماره پرونده / رمز رایانه ۱۵۵۲۲۸۳/۶
سال ۸۶ دوره ۱۲ صورتحساب تا تاریخ ۸۶/۱۲/۰۴
۳۶
اشتراک ۳۶۰۸۱
مبلغ دوره
شناسه قبض ۱۵۵۲۲۸۳۱۱۱۳۲۸
شناسه پرداخت ۱۸۷۹۰۳۶۰۹
محل پرداخت در کلیه بانکهای: بوشهر
مبلغ قابل پرداخت: ۱،۸۷۹،۰۰۰ ریال
یک میلیون وهشتصدوهفتادونه هزار ریال


شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر
زیر مجموعه شرکت توانیر و وابسته به وزارت نیرو
شماره پرونده / رمز رایانه ۱۵۵۲۲۹۱/۷
سال ۸۶ دوره ۱۲ صورتحساب تا تاریخ ۸۶/۱۲/۰۴
۳۹
اشتراک ۳۶۰۶۹
مبلغ دوره
شناسه قبض ۱۵۵۲۲۹۱۱۱۱۳۲۲
شناسه پرداخت ۱۶۶۳۰۳۹۰۷
محل پرداخت در کلیه بانکهای: بوشهر
مبلغ قابل پرداخت: ۱،۶۶۳،۰۰۰ ریال
یک میلیون وششصدوشصت وسه هزار ریال

مصرف دوره	هزینه زمستان ۸۵ (ریال)	هزینه زمستان ۸۶ (ریال)	درصد افزایش
۴۰۰کیلو وات ساعت	۴۰۷۳۴	۳۵۲۰۰	-۱۴
۵۰۰کیلو وات ساعت	۴۵۵۰۴	۵۲۰۰۰	۱۴
۶۰۰کیلو وات ساعت	۵۷۸۴۳	۶۸۹۵۰	۱۹
۷۰۰کیلو وات ساعت	۹۲۹۶۶	۱۱۸۵۰۰	۲۷
۸۰۰کیلو وات ساعت	۱۲۸۰۸۹	۱۷۰۸۰۰	۳۳
۹۰۰ کیلو وات ساعت	۱۶۳۲۱۲	۲۲۲۸۰۰	۳۷
۱۰۰۰کیلو وات ساعت	۱۹۸۳۳۵	۲۹۷۶۰۰	۵۰
۱۱۰۰کیلو وات ساعت	۲۳۳۴۵۸	۳۷۵۸۰۰	۶۱
۱۲۰۰کیلو وات ساعت	۲۶۸۵۸۱	۴۵۶۸۰۰	۷۰
۱۳۰۰کیلو وات ساعت	۳۵۹۰۱۵	۶۴۰۰۰۰	۷۸
۱۴۰۰کیلو وات ساعت	۴۴۹۴۴۹	۸۳۰۰۰۰	۸۵
۱۵۰۰کیلو وات ساعت	۵۳۹۸۸۳	۱۰۳۰۰۰۰	۹۱
۱۶۰۰کیلو وات ساعت	۶۳۰۳۱۷	۱۲۳۱۰۰۰	۹۵
۱۷۰۰کیلو وات ساعت	۷۲۰۷۵۱	۱۴۶۱۵۰۰	۱۰۳
۱۸۰۰کیلو وات ساعت	۸۱۱۱۸۵	۱۷۰۰۰۰۰	۱۱۰
۱۹۰۰کیلو وات ساعت	۹۰۱۶۱۹	۱۸۶۳۹۰۰	۱۰۷
۲۰۰۰کیلو وات ساعت	۹۶۴۰۸۰	۱۹۵۶۸۸۸	۱۰۳

کاندیداهای استان بوشهر چقدر رای آوردند؟

نتایج انتخابات حوزه انتخابیه بوشهر ،گناوه و دیلم

نام و نام خانوادگی کاندیدا	تعداد رای
غلامعلی میگلی نژاد	۲۵۲۳۴
حسن قایدزاده	۱۹۲۲۱
عبدالکریم جمیری	۱۸۵۸۶
سید کریم موسوی	۱۰۷۵۶
عبداله باغچه بان	۴۷۶۵
علیرضا بزاف	۴۰۹۰
محمد شریعتی فر	۲۷۵۵
سید حسن موسوی	۲۵۹۰
بهمن بهزادی	۲۲۸۳
محمد کاظم حق شناس	۱۶۱۱
عبدالله پرور	۱۳۹۴
صفر دارابی	۸۵۶
علی کولیوند	۴۴۳
احمد خواجه گیری	۳۶۷
ابوالفضل اکبر پور	۲۰۲
جمع آرای ماخوذه	۱۰۱۱۴۳

نتایج انتخابات حوزه انتخابیه دشتی و تنگستان

نام و نام خانوادگی کاندیدا	تعداد رای
سید محمد پورفاطمی	۲۳۶۸۴
عبدالصمد دولاح	۱۲۲۲۳
عباس علوی نژاد	۱۲۰۸۹
محمد مهدی ابراهیمی	۱۱۳۶۸
ماشاالله قطب الدین	۹۷۵۸
غلامرضا نادری زاده	۵۴۴۸
حیدر حیدری	۲۸۶۸
محمد آتیار	۱۰۴۵
داوود نمازی	۴۳۰
جمع آرای ماخوذه	۸۰۱۴۰

نتایج انتخابات در حوزه انتخابیه کنگان، دیر و جم

نام و نام خانوادگی کاندیدا	تعداد رای
قیصر صالحی	۱۸۰۲۲
عسکر جلالیان	۱۵۴۷۲
موسی احمدی	۱۳۱۱۸
علی کرمی	۱۱۱۵۱
عبداله حاجیانی	۹۰۲۷
کامبیز یوسفی	۸۲۵۰
جمع آرای ماخوذه	۷۶۹۷۵

نتایج انتخابات در حوزه انتخابیه دشتستان

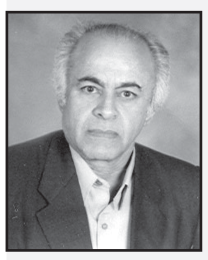
نام و نام خانوادگی	تعداد رای
جوانشیر کدخداپور	۲۹۳۰۵
سید عبدالمجید شجاع	۲۷۹۹۹
ایوب پابری مقدم	۲۲۴۷۸
غلامرضا اسکندری	۱۳۴۳۹
محمد رضا ایرج زاده	۸۶۸۳
مهدی یوسفی	۳۱۳۴
سید مهدی مهدوی	۱۰۱۲
سید حجت علوی	۸۴۳

بوشهر در آیینه ی زمان

بهار و نوروز

برخیز و با بهار سفر کرده باز گرد

نجف آهوچهر



باز کن پنجره ها را که نسیم روز میلاد اقاقی ها را جشن می گیرد (فریدون مشیری)
تقارن آغاز سال جدید با شروع بهار نبوغ و ذوق پدران ما ایرانیان که به زیبا پرستی و نو آوری شهره بوده اند را می رساند، خداوند هم زیبایی را دوست دارد چون که خود او زیباست (ان ا... جمیل و یحب الجمال) لطافت هوای بهار، بوی سبزه و گل، صدای مرغان عاشق، نسیم باد و نم نم باران ، آسمان پاک و شاخ و برگ درختان پر از غنچه و براق از شستشوی باران بهاری گلبرگ های لطیف و رنگارنگ همه نوید دهنده ی سالی نو و بهاری نو و فکری نو هستند، بهار یک اتفاق خوب و زیباست. اتفاقی که عالم و آدم را جذب تحول خود که تغییر در محیط به وجود می آورد، می کند و همراه خود بوی دوستی و مهربانی و محبت می پراکند. چه قدراین فصل را دوست داریم، دل به سوی بهار بسته ام و آمدنش را با آغوش باز پذیرا هستم و همیشه آرزو می کنم ای کاش همه ی سال بهار بود و نبود جز بهار.
بهار فصل پیوندها و رسیدن یاران و دوستان به هم و گسستن کینه ها و بدبینی ها و زمان انتظار دیدن آنانی هستی که دوستشان داری ، ای آشنای من.
برخیر و با بهار سفر کرده باز گرد
تا پرکنیم جام تهی از شراب را
و زخوشه های نازک انگورهای سبز

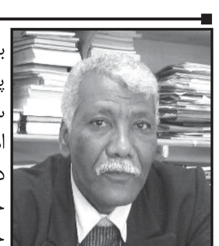


در خم بیفشریم می آفتاب را
برخیرو بازگرد و طبیعت را بنگر چه سرسبز و شاداب شده و رقص شاخه و برگ گیاهان را نگاه کن که به بهار سلامی دوباره می دهند و آمدنش را جشن می گیرند، پنجره ات را بگشای تا بهار میهمانت شود قبل از آن که ره توشه سفر بنندد و تو را از شمیم خود بی بهره کند. بر خیز ای سفر کرده ی عزیز هر کجا هستی باز گرد زیرا کسی هست که تو را چشم انتظار است و دوستت دارد زیرا بهار با آمدن تو زیباتر می شود.
هر گل فروشی که دسته گل از گلشن آورد
فصل بهار را دوباره به یاد من آورد
رقص گل و هوای لطیف و نسیم باد
این هر سه را بهار برای من آورد
بوی گل شقایق و لادن و نسترن
و زهرچه گل دگر ، بهار به تقدیم آورد
من بارها زباد بهاری شنیده ام
بس سرخ گل زشوق غنچه شاداب آورد
بوی گل بنفشه و شب بو و مرمرشک
باد شمال از دشت های خرم بوشهر آورد.
ایام به کامتان، شهد و شکر به جامتان، امروزتان بهتر از دیروز ، نوروزتان پیروز

خداحافظی سال ۸۶ از بوشهر

نگاهی گذرا به برخی حوادث مهم سال ۸۶ استان بوشهر

خورشید فقیه



بالاخره سال ۱۳۸۶را با خوف و رجاء پشت سر گذاشتیم و در آستانه ی سال جدید نیز مطابق هر سال، با این امید که حال و روزمان بهبودی یابد، در کنار سفره های هفت سین سنتی خود باز هم از خدای خویش خواهیم خواست که «حول حالنا الی احسن الحال» ولی غافل از آن که وزن گناهانمان به مراتب بیشتر از تناز مجازی است که اتفاقا خود نیز بر آن واقف هستیم و اعتنایی هم به آن نداریم. لذا جای گلایه و تعجب ندارد اگر مشکلاتمان همچنان افزون می شود و پیوسته شاهد آنیم که مثلا بهای تخم مرغ پارسالی از ۵۰ تومان به ۱۵۰ تومان افزایش می یابد و اجاره ی خانه چند برابر می شود و نرخ اغذیه های فقیر خوری مثل گوجه فرنگی و بادمجان و پیاز و پنیرک حتی، آن قدر اوج می گیرد که برای رسیدن به آن ها، مجبور می شویم از دیوار همسایه عبور کنیم و ناخنکی نیز به جیب هر آن که از کنارمان عبور کرد، بزنیم.
سالی که گذشت اما شاهد این معجزه ی بزرگ قرن هم بودیم که شیشه های آکبند نفتی که قرار بود همچون دیگر کولاهای تگری، در گوشه ای از سفره هایمان جا خوش کنند، در یک چشم بر هم زدنی تبدیل شدند به یک سری بیلاخ با طعم و مزه های مختلف که مزین به آرم بنزین سهیمه بندی بود و در کارتن هایی از جنس مهرورزی و عدالت گستری قرار داشتند.
سالی که گذشت، سال حرف و حدیث های فراوان و شعر و شعارهای انبوهی بود که همزاد متضاد خود را نیز در بغل داشتند: شعار برگزاری آزادترین انتخابات مجلس در جهان و اعمال شدیدترین نوع نظارت استصوابی و رد صلاحیت گسترده ی نامزدهای انتخاباتی، حدیث جشن و سرور پیروزیمان در نبرد با عالمیان به خاطر اثبات حقانیتمان در قضیه ی انرژی هسته ای و محکومیتمان در شورای امنیت سازمان ملل متحد و صدور سومین قطع نامه تحریمی از سوی آن نهاد بین المللی، سرودن شعر عدم تمکین به درخواست فدراسیون جهانی به عنوان مداخله در امور داخلی کشورمان و نهایتا بحرانی و سردرگم نمودن پر طرفدارترین رشته ی ورزشی مملکت و آخر الامر تسلیم شدن در برابر تهدیدات این نهاد وابسته به محافل استکبار جهانی و نیز ...
اما در بعد محلی هم، استان ما از بسیاری قضایای مهم و خبر ساز، بی نصیب نبود:
-۱ در جدال جدی و پر افت و خیز و یومیه زعمای قوم و بزرگان ایالت بوشهر، بالاخره علی زینبی معاون سیاسی – امنیتی استاندار، مغلوب شکر الله عطار زاده نماینده ی مجلس شد که به خاطر داشتن ارتباطات نزدیک و پشت پرده با برخی از مشاورین و معاونین رییس جمهور، از وزن و پارتی های بیشتری برخوردار بود. اما زینبی هم آدمی نبود که به این سادگی ، آوردگاه را ترک کرده و تسلیم نهایی فرد تازه به دوران رسیده ای شود که حد و حدود خود را نمی شناسند و بی گدار به هر آبی می زند.
معاون استاندار، با درایت و هوشمندی خاص خود، توانست نماینده را در دامی گرفتار و اسیر نماید که او برای شکار رقیب گسترانیده بود. او با استفاده از نوار ضبط صوتی که به منظور تخریب شخصی و محکومتی اخلاقی و کیفری وی تنظیم شده بود، دست به ضد حمله ای جانانه علیه عطار زاده زد که نهایتا موجب رد صلاحیت او و محرومیتش از شرکت در انتخابات مجلس و ورود مجددش به پارلمان گردید.
-۲در ادامه ی جنگ و ستیزهای مدیران اصولگرای استان، علی افراشته استاندار بوشهر که به خاطر حمایت یک جانبه ی رییس جمهور از عطار زاده، مجبور به عزل زینبی گردیده بود، در یک عمل غافلگیرانه و در حالی که نماینده مشغول رایزنی با دفتر ریاست جمهوری جهت انتصاب معاون سیاسی – امنیتی جدیدی برای استاندار بود تا در انتخابات پیش رو به کمک وی بشتابد، فرد دیگری را منصوب و به جای زینبی معزول قرار داد. این عمل استاندار که احتمالا با موافقت و حمایت پور محمدی وزیر کشور صورت گرفته بود، فرصت و امکان هر گونه عکس العملی را از عطارزاده سلب نموده و او را در یک وضعیت انفعالی شدید قرار داد.
-۳یکی دیگر از اتفاقات مهم سال گذشته ی استان، سفر دوم احمدی نژاد بود. این سفر که ظاهرا به منظور ارزیابی مصوبات سفر اول رییس جمهور به بوشهر صورت گرفت در حالی انجام شد که برخی از مصوبات قبلی دولت حتی کلید هم نخورده بود. به عنوان نمونه، احداث خط آهن بوشهر – شیراز که از مصوب های سفر قبلی بود ولی یک هفته جلوتر از دومین سفر احمدی نژاد، توسط افراشته و تنی چند از مقامات وزارت راه، کلنگ زنی شد. به هر حال، آن چه که از دومین سفر رییس جمهور به بوشهر چشمگیر و قابل ملاحظه بود، تجمع مجدد صدها انسان درمانده ی نامه به دستی بود که برای رفع نیازها و حل مشکلات عدیده ی خویش، جلو ساختمان استانداری و فرمانداری های شهرستان ها، منتظر معجزه ی رییس دولت نهم بودند. ضمنا تصویب چندین و چند طرح و برنامه ی چندین میلیاردی دیگر نیزاز نتایج این سفر بود.
-۴اوج گیری زمزمه های مجدد جدایی عسلویه از بوشهر و الحاق آن به استان فارس، یکی دیگر از وقایع نگران کننده و دل مشغولی های هراس انگیز مردم و مطبوعات بوشهر بود که با ترسیم نقشه ای از سوی سازمان هواپیمایی که حاکی از انفکاک عسلویه از بوشهر و الحاق آن به فارس بود، شدت بیشتری گرفت. دلبستگی مردم بوشهر به عسلویه ، از آن جا ناشی می شود که مردم به عینه می بینند که به برکت وجود ذخایر عظیم گاز در این منطقه و اختصاص همین دو در هزار ناقابلی که از محل فروش گاز نصیب استان می گردد، پس از قرن ها محرومیت و فقر مزمنی که این استان را به خود مشغول داشته است، آثار اولیه حرکت به سوی محرومیت زدایی وریشه کنی فقر– هر چند با کندی و آرام – قابل لمس بوده امیدهایی را در قلوب این مردم، به وجود آورده است. بنابراین ، لازم و حیاتی است که زمامداران مملکت، به این حساسیت های منطقی و معقول مردم توجه ویژه ای مبذول داشته و از هم اکنون مانع از بروز حوادثی گردند که به مراتب تلخ تر از آن چه است که در نقاطی نظیر آباده و اقلید در استان فارس، استان قزوین، شهرستان سمیرم در استان اصفهان و ... اتفاق افتاد.
-۵آخرین حادثه اما، قضیه انتخابات مجلس هشتم است، متاسفانه در استان ما نیز همانند دیگر نقاط ایران، موضوع انتخابات با حاشیه های نگران کننده ای همراه گردید که ناشی از عملکرد هیات های اجرایی ونظارتی در رد صلاحیت گسترده ی کاندیداها به ویژه افراد کارآمد و مطرح گروه های سیاسی به ویژه از طیف اصلاح طلبان بود. موج ویرانگر ردصلاحیت ها، قبل از آن که به مرحله اجرا در آید، با خط و نشان هایی که از قبل کشیده می شده ، باعث گردید که بعضی افراد موجه ای که در صورت ثبت نام و ورود به انتخابات، با اقبال جمعی مردم مواجه شدند، از ثبت نام خودداری ورزند این امر از همان ابتدا نشان می داد که ما در این دوره، شاهد یک انتخابات پر شوری نخواهیم بود. به خصوص با محدودیت هایی که در زمینه ی تبلیغات، توسط مجلس هفتم و شورای نگهبان، صورت قانونی به خود گرفت. جالب این که وسعت و گسترده ی این رد صلاحیت ها، تا به آن جا کشیده شد که فردی مانند شکرالله عطارزاده که هم اکنون نماینده مجلس و از جناح اصولگرایان بوده به جرم عدم اعتقاد و التزام به اسلام و ولایت فقیه، از انجام فعالیت های انتخاباتی باز ماند.
با وصف آن چه گفته شد، از لحاظ کمی اما تعداد کاندیداها و تنوع دیدگاه ها به گونه ای بود که امکان رقابت میان سه طیف مجاز در انتخابات جمهوری اسلام – اصلاح طلبان، اصولگرایان و مستقل ها– وجود داشت اگر چه از نظر کیفی، به هیچ وجه رضایت بخش نمی باشد.
-۶ اما سخن آخر این که ، در این جا غیر منصفانه می بینیم اگر از تلاش و تقلاهای شبانه روزی حاج علی افراشته استاندار بوشهر در سالی که گذشت یادی ننمایم. الحق که با همه کارشکنی های های عطار زاده در کار استانداری و دیگر نهادهای اجرایی، افراشته نیز همانند تبادار، یکی از نادر استاندارهایی بود که شبانه روز و به گونه ای خستگی ناپذیر، طراح و پیگیر پروژه ها و برنامه های عمرانی زیادی بوده و هست که در صورت عملی شدن آن ها، می توان به آینده ی این استان تا حدودی امیدوار بود. اما متاسفانه ، ایراد و اشکال عمده ای که برایشان وارد است، سپردن امور به دست برخی از مدیران اجرایی ناشایست و بی لیاقتی است که بر مسند از ادارات و نهادهای دولتی استان تکیه زده اند. بدیهی است که ایشان با هزینه کردن هر مقدار انرژی از خود، قادر نخواهد بود که به درستی و آن گونه که ایجاب می کند و رضایت عمومی را بر می انگیزد به طرح ها و برنامه های خویش در ابعاد مختلف، جامه عمل بپوشاند. به ویژه آن که بخشی از همین مدیریت ناکار آمد نیز، ساز خود را می زند و با مجموعه ی تشکیلات مدیریتی استان، هماهنگ و همسو هم نمی باشد. بنابراین، جا دارد که ایشان با یک اقدام انقلابی، دست به یک خانه تکانی در ساختار مدیریتی استان بزند و بدون در نظر گرفتن ملاحظات و مصالح جناحی و سیاسی، افراد لایق و شایسته ای که خوشبختانه استان ما از آن ها بی بهره هم نمی باشد را به یاری خویش بخواند.
به پایان آمد این گفتار، با این امید که سالی نیکو و مشحون از خیر و برکت و تکامل و تعالی و صحت و سلامت را در پیش روی داشته باشیم ودل هایمان خالی از کینه و عداوت و دشمنی با هر انسانی باشد که در هر گوشه ای از این زمین خدا، زندگی می کند. پیشاپیش تبریک و تهنیت صاحب این قلم را پذیرا باشید.

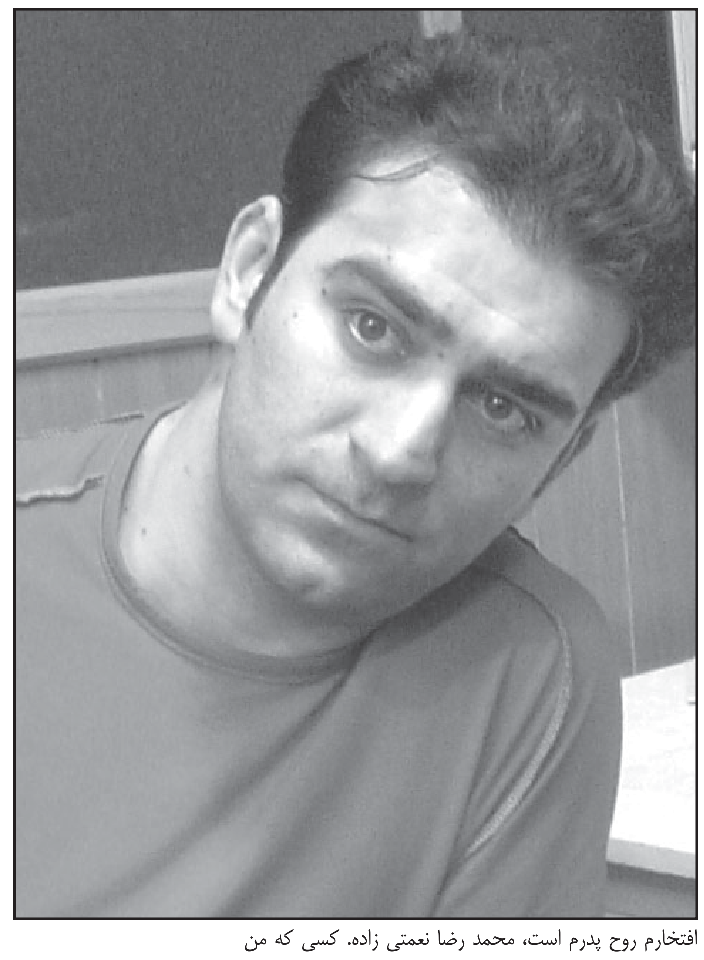


نسیم جنوب ۶
ورزشی
شماره ۴۹۲ یکشنبه ۲۶ اسفند ماه ۱۳۸۶
NASIM JANOUB

مصاحبه با هنرمند بوشهری نیما نعمتی زاده:

شک نکن که هدف من بازیگری است

مصاحبه از حمید رضا بناری



افتخارم روح پدرم است، محمد رضا نعمتی زاده. کسی که من هنوز نتوانستم در حد شایستگی هایش کاری انجام دهم.
دوران کودکی تا یازد سالگی همراه پدرم بودم. به طوری که اکثر اوقات همراه پدرم بودم. به زعم خودم، دوران کودکی پر باری داشتم.
کودکانه، جهان بینی پدرم را درک کردم.
بعد از آن مدرسه و به خصوص دبیرستان. دوران مدرسه خیلی بد گذشت این که مجبور بودم ریاضی فیزیک بخونم و هیچ سنخیتی با آن نداشتم. در دوران دبیرستان لحظه شماری می کردم که دیپلم بگیرم و در دانشگاه تئاتر بخوانم. البته این ریاضی فیزیک من بنا به خواسته ی مادرم بود و من هم تنها درخواست مادرم را برآورده کردم.

- کی و چه طور تئاتر را شروع کردی؟

- سال ۷۰ باعلی غلامی که خیلی برایم قابل احترامه تئاتر را شروع کردم. ولی تا یک سال به من نقش نداد. به من گفت تو بیا در کنار من باش و فعالیت های پشت صحنه ای را انجام بده. مدتی گذشت و من هرچه التماس آقای غلامی می کردم که من هم بازی کنم به من نقش نمی داد. طوری که کم کم ناراحت شده بودم. ولی بالاخره به صحنه رفتم و الان شانزده ساله که مستمر فعالیت هنری می کنم.

- هم دوره ای هایت در تئاتر بوشهر چه کسانی بودند؟

- پیمان زنده بودی، محسن شریفیان، حتا یادم می یاد محسن خیلی نسبت به سازش تعصب داشت توی یک تئاتر دوران دبیرستان که پیمان زنده بودی کارگردانی می کرد اگه کسی روی دمام محسن شریفیان می نشست، سیلی می خورد و چندین بار این اتفاق نیز افتاد.
علیرضا میرشکاری. حتا یادم میآد اون زمان رامتین بالف که از ما جلوتر بود میان پرده های دهه فجر کار می کرد.
کسانی هم بودند که از بوشهر رفتند مثل بچه های پایگاه دریایی که با علی غلامی کار می کردند و به یقین باید بگم ، پر بارترین جشنواره های تئاتر دانش آموزی مدارس در آن زمان برگزار می شد و از همان جشنواره ها کسانی رشد کردند و پرورش یافتند که بعدها آثار با ارزش بسیاری در تئاتر بوشهر خلق کردند.
البته باید یک نکته را توی پرانتز ذکر کنم، چندین ساله که آموزش و پرورش هیچ چهره ی شاخص هنری به رده های بالاتر تحویل نداده و تحرکی که در زمان ما در مدارس راهنمایی و دبیرستان در مقوله های فرهنگی و هنری بود الان نیست. ما نیاز به معلمان پرورشی داریم که فعالیتشان بیشتر از چسباندن پلاکارد باشد. معلمانی مثل علی غلامی که امیدوارم هر کجاهست موفق و سربلند باشد که بی ریا خدمت می کرد.

- چه طور شد که به تئاتر خیابانی رسیدی؟

- خیلی اتفاقی. پنج سال پیش جشنواره ی مونولوگ برگزار می شد و من به پیشنهاد محمد مختاری شرکت کردم و چکیده ی نمایش میدانی دمام را که سال ۷۶ در جشنواره تئاتر دانشجویی شرکت داده بودم برای حضور در جشنواره آماده کردم.
در جشنواره شرکت کردم . مقام نیاوردم ولی همان دمام انگیزه ای شد برای حضور در جشن خیابانی جشنواره ی تئاتر فجر استانی و کشوری .

-اولین هنرمند تئاتر بوشهر هستی که تندیس سیمرغ بلورین جشنواره ی تئاتر فجر را در بخش خیابانی گرفتی. خودت را بازیگر خیابانی می دونی یا صحنه؟

- برای بازیگری در تئاتر صحنه ای علاقه دارم .من الان نزدیک به پنج سال است که دو یا سه کار صحنه ای در تهران انجام دادم. سال های آخری که در بوشهر بودم از بازی صحنه فاصله گرفتم ولی الان قصد دارم دوباره به صحنه برگردم و تئاتر صحنه ای بازی کنم. چون قابل قیاس نیست بازی صحنه با بازی خیابانی.

-چه سالی وارد صدا و سیمای بوشهر شدی؟

- سال ۷۶ ، ولی وقتی می خواستم به صدا و سیما بروم به این فکر نمی کردم که قراره چه کار کنم به هر حال تست گزارشگری و گویندگی دادم و برای گزارشگری انتخاب شدم واولین گزارش هایم را برای برنامه سی مو سی تو انجام دادم. قبل از من جواد متین برای سی مو سی تو گزارش می گرفت. در طول مدتی که در رادیو بودم از استاد عزیزم شاهرخ سروری خیلی خیلی آموختم. استاد سروری به من برنامه سازی یاد داد. مهم تر از همه به من اعتماد کرد و میدان داد به طوری که در مدت کوتاهی تهیه کننده برنامه ی زنده ی رادیویی شدم. غرق فعالیت در رادیو بودم. البته در این بین مجری، بازیگر برنامه تلویزیون دایره شدم. ولی بیشتر مشغول فعالیت در رادیو بودم. یک دوره از صدا و سیما فاصله گرفتم . پایان نامه دوره ی کارشناسی را دفاع کردم و دوباره به صدا و سیما برگشتم البته این بار به تلویزین رفتم که برنامه ی گپ، ماحصل این دوره است.

- سریال های تلویزیونی که بازی کردی...

- سری اول سریال عز و مزو بازی کردم. ولی اصلا راضی نیستم سریال خیلی قوی نبود ولی به هر حال به خاطر یک سری رودربایستی ها بازی کردم.

- چه طور شد که عازم پایتخت شدی. به خاطر ادامه تحصیل بود یا به خاطر فعالیت های رادیو و تلویزیونی؟

- من هیچ وقت به بحث تئاتر و بازیگری و اصولا فعلیت هنری با این دید که هر چه پیش آید خوش آید نگاه نمی کردم. از روزی که با آقای غلامی فعالیتم را شروع کردم گفته بود که چه هدفی دارم. برای همین از بوشهر رفتم چون تا یک اندازه در بوشهر جای پیشرفت دارید و یاد می گیرید بعد از آن اشباع می شوید. برای پیشرفت باید به یک محیط حرفه ایی دیگر قدم گذاشت. در کشورهای جهان سوم این محیط حرفه ای که فعالیت فرهنگی و هنری در آن صورت می گیرد پایتخت کشور است پس به تهران رفتم.

- در تهران چه اتفاقی افتاد و چه طور فعالیت راشروع کردی؟

- اولین فعالیتی که در تهران انجام دادم سریال آیتمی مستقیم دربست بود که در برنامه پنجره روزانه ازشبکه ی سوم پخش می شد.
بعد از آن با مساعدت های احمد سروری برادر شاهرخ سروری که مشاور معاونت صدا بود به رادیو ورزش رفتم. ابتدا خیلی مخالفت کردم چون هیچ تجربه و سنخیتی با آن نداشتم ولی پذیرفتم.

- چه طور با فضای رادیو ورزش کنار اومدی؟

- هنوز خودم را یک گزارشگر ورزشی نمی دونم ولی شاید به خاطر شادابی و نشاطی که صبح اول صبح همیشه داشتم این اتفاق افتاد و توانستم در رادیو ورزش فعالیت کنم. شاید باور نکنید ولی من گزارش فوتبال انجام می دادم . گزارش بسکتبال انجام می دادم . گزارش واترپلو انجام می دادم. اما تنها چیزی که به من در این امر کمک کرد. تجربه بازیگری بود.

- الان چه می کنی؟

- یک انقلابی در فعالیتم به وجود آوردم. و فعالیت گزارشگر و گویندگی رادیو را به طور کامل کنار گذاشتم. یک جورایی از شانزده سال فعالیت تئاتری و درس خوندنم خجالت کشیدم. چون خیلی از فضایی که علاقمند بودم فاصله گرفتم.
با همه ی صحبت های که شد تصمیم گرفتم برای رادیو ورزش نمایش رادیویی بنویسم و کارگردانی کنم و در رادیو هم برنامه های مختلفی هست که به عنوان نویسنده و کارگردان فعالیت می کنم.
البته نویسنده ی درد دل های جیرجیرک برنامه ی راه شب هم هستم .

- چند وقت پیش با هم دیگر تلفنی صحبت می کردیم گفتی قصد داری تا به سینما بروی. چقدر مصمم هستی تا به این هدفت برسی.

- تمام دغدغه ی من همینه.هیچ عجله ای ندارم. الان در حال حاضر دربرنامه های تلویزیونی هستم. که این تجربه و علمی شد برای هدفت نهایی ام. باید وقتی که به آن جایگاه می رسم واقعا این کاره شده باشم. شک نکن که هدف من بازیگری است. اگر قرار باشد که این چنین اتفاقی نیفتد مطمئن باشید که به بوشهر بر می گردم و همین جا فعالیتم را ادامه می دهم.

- حرف آخر؟

- تشکر می کنم از دوستانی که نیما نعمتی زاده را صدا کردند برای اجرا در برنامه سکنچه. از شاهین بهرام نژاد تا آقای منصور لاوری مدیر کل صدا و سیمای استان بوشهر که شرایط را فراهم کردند تا بتوانم بار دیگر در میان هم استانی هایم باشم. از مردمی که مرا تحمل می کنند تشکر می کنم. از خانواده ام سپاسگزاری می کنم. از مادرم، برادری برادرم ساتیار و خواهری خواهرانم محبوبه و نازنین، همسرم و خانواده اش.

شاهزاده سرخ

یاد دختر دائی دکتر مصدق گرامی باد

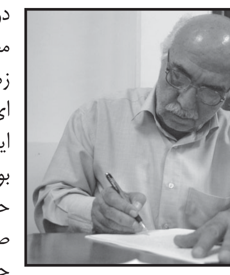
محمود دهقانی



مریم فیروز دختر دائی دکتر محمد مصدق رهبر ملی ایران و همسر نورالدین کیانوری رهبر پیشین حزب توده ایران درگذشت. مریم فیروز که ۹۳ سال مجال زندگی داشت در روز چهارشنبه ۲۳ اسفند در منزلش در تهران چشم بر جهان فرو بست و در کنار مزار شوهرش به خاک سپرده شد. نام مریم فیروز در تاریخ سیاسی ایران نامی ماندگار خواهد بود. او از معدود زنانی بود که پس از سقوط حکومت رضا شاه به مبارزه ی دامنه دار سیاسی پرداخت و نقش ارزنده ای ایفا کرد.
بعد از کودتای شوم ۲۸ مرداد و سقوط دولت ملی دکتر محمد مصدق، وی به همراه همسرش نورالدین کیانوری به خارج از کشور گریختند و نزدیک به بیست و شش سال درپاره ی شرقی آلمان و در شوروی سابق زندگی کرد. مریم دختر عبدالحسین میرزا فرمانفرما از شاهزادگان قاجار بود که مضاف بر فعالیت های سیاسی ای که داشت یکی از فعالان گستره ی ادبیات فارسی نیز به شمار می رفت. مریم پس از اتمام دوره ی دبیرستان با سرهنگ عباسقلی اسفندیاری ازدواج کرد و حاصل آن ازدواج دو فرزند به نام های افسانه و افسر شد ولی دیری نپائید که ازدواجش با عباسقلی اسفندیاری به جدائی انجامید. بعد ها روابط خانوادگی مریم فیروز با خانواده ایرج اسکندری باعث عضویت مریم در حزب توده شد. در آنجا بود که با مردی خوش تیپ و بلند قد به نام نورالدین کیانوری آشنا شد و کارشان به ازدواج کشید. این زن زیبای ایرانی که از یک سو دختر شاهزاده ی قاجاری بود و از سوئی با افکار سوسیالیستی عضو حزب چپ گرای توده آشنا بود به شاهزاده سرخ معروف شد. شب شعر و نشست های ادبی نویسندگان سر شناس آن دوران از جمله هوشنگ ابتهاج ، صادق هدایت، فریدون توللی، بزرگ علوی و رهی معیری در منزل او برگزار می شد.
مریم فیروز که در دوران رژیم گذشته به اعدام محکوم شده و نمی توانست به ایران برگردد با پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن توانست بار دیگر به میهنش ایران بازگردد. پس از انقلاب سردبیر مجله ای با نام جهان زنان شد و تشکیلات دمکراتیک زنان که وابسته به حزب توده بود را اداره می کرد. او در آن زمان چند جلد کتاب و مقالات بی شماری به چاپ رساند. در ماه های پایانی سال ۱۳۶۱ مریم فیروز و همسرش نورالدین کیانوری و جمع کثیری از رهبران حزب توده زندانی شدند. مریم فیروز در آن زمان هفتاد ساله بود. به دلیل رنج جسمانی و کبر سن از طرف سازمان عفو بین الملل درخواست های پی درپی برای آزادی او شد. اعضای عفو بین الملل به تمامی دوائر و مسئولان وقت نامه می نوشتند. نگارنده نیز به عنوان عضوی از عفو بین الملل در نامه ای از آقای علی اکبر رفسنجانی رئیس جمهور وقت برای آزادی او با شعار (در عفو لذتی است که در انتقام نیست) در خواست عفو نمودم. او بعد از رهائی از زندان تا آخر عمر در منزل شخصی خود به سر برد.
در سفری به ایران از طرف شادروان دکتر علی اردلان وزیر اقتصاد دولت مهندس بازرگان که ایشان هم از زندان آزاد شده بودند همراه با آقای احمد انواری سردبیر نشریه جبهه ملیون در لندن که تازه به ایران برگشته بودند برای ناهار به رستورانی در دربند تهران دعوت شدیم. در پایان وقتی به دکتر اردلان گفتم که فردا با مریم فیروز ملاقات دارم، گونه ام را بوسید و از پشت عینک لحظاتی به چهره ام خیره شد که این بماناد تا وقت دگر. یاد مریم فیروز که می گفت با شیرزن مبارز اسپانیائی (دلورس ایبارودی) دوست هستم گرامی باد.

مطبوعات بوشهر و پارس جنوب

حسین حشمتی



اوائل اسفند ماه ناگهان در محافل خصوصی و نشست های دوستانه شایعه ای مطرح شد و در اندک زمانی قوت گرفت که ای مردم چه نشسته اید که مدیر عامل بومی پارس جنوبی در حال تغییر سمت است. صبح روزی که ارباب جراید محلی تازه از مراسم افتتاح شورای حل اختلاف ویژه مطبوعات توسط رئیس کل دادگستری فارغ شده بودند مدیر مسئول یکی از نشریات در جمع تعدادی از همکاران خود حضور یافت و به تشریح ماجرای احتمال تغییر سمت دکتر رضوی و پیامدهای آن برای مردم استان پرداخت و خواستار حمایت دسته جمعی مدیران مطبوعات از این مدیر بومی گردید و با دلائلی که برشمرد موفق شد حداقل موافقت آن عده حاضر در جلسه را جلب نماید تا بماند دیگران که لابد برنامه دیگری برایشان داشت.
بدنبال آن تفاهم نانوشته، نشریه «خلیج فارس» که معمولا شنبه ها توزیع می شود با تیتر یک، بوشهری ها مخالف تغییر مدیر عامل بومی پارس جنوبی، استارت اول را زد و پشت بندش نشریات نسیم جنوب، پیغام، صدای بوشهر، چشم انداز و دیگران خبر را پوشش داده و صفحات اول خود را به آن خبر و عکس های بزرگ مرد نمره یک قطب اقتصادی کشور اختصاص دادند و موضوع تا آنجا پیش رفت که در جلسه ی پنج ساعته مصاحبه مطبوعاتی استاندار، معاونین و تعدادی از مدیران اجرائی با خبرنگاران رسانه ها ، بیشترین سئوالات در این مورد بود، استاندار در پاسخ آن را حاصل خواب و خیال بعضی ها دانست که شب خواب دیده و صبح سر زبان ها انداخته اند و تاکید مکرر می کرد بر اینکه خبر صحت ندارد و او از مجموعه مدیران اجرائی استان منجمله دکتر رضوی حمایت می کند و چنین اتفاقی نخواهد افتاد.
اما هرچه افراشته سعی بر انکار می نمود مطبوعاتیان جهد بر اثبات موضوع داشتند تا آنجا که بالاخره در سر سفره شام قول پیگیری موضوع را داد و این در حالی است که هفته نامه خلیج فارس در ادامه خبر مندرجه در شماره ۱۸۹ نشریه مذکور بشارت داده بود که بر اساس خبرهای موثق پرونده تغییر دکتر رضوی توسط نفتی ها فعلا بسته شده و این غیر از خبریست که از قول دکتر شجاع نماینده دشتستان نقل شده که معاون وزیر نفت هم تغییر مدیر عامل منطقه ویژه را منتفی دانسته و از همه مهمتر اینکه جلالی نامزد جانشینی رضوی نیز انتصابش را به سمت مدیر عاملی پارس جنوبی به کلی تکذیب نموده است.
اینها را نوشتم تا یادآور شوم که روشنفکران و نخبگان بوشهری سالهاست که عسلویه را به دلیل تاسیس منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی چون جان شیرین گرامی میدارند و آنچنان درباره خبرهای ریز و درشت آن حساسند که به اندک شایعه یا اشاره ای نیز از خود واکنش نشان می دهند و اکنون هم حمایت از مدیر عامل بومی منطقه نامبرده را نه به خاطر شخص دکتر رضوی بلکه برای محافظت از بزرگترین گنج کشور و استان بوشهر انجام می دهند اما پرسش مهم بنده این است که بلاخره این احساسات ناسیونالیستی تا کی می خواهد ادامه پیدا کند؟
آیا بهتر نیست به جای این واکنش های احساساتی یک برنامه بلندمدت ملی توسط شوراهای اسلامی شهر و استان به منظور استفاده ی متقابل از ظرفیت های موجود در منطقه ی پارس جنوبی و شمالی تدوین و به اجرا گذارده شود تا از طریق تعاملات مردمدارانه (صرفنظر از برنامه های دولت) عملا به این دغدغه های موسمی خاتمه داده شود.
به اعتقاد نگارنده مدیران برنامه ریز و بازاریان استان های همجوار از همان ابتدای شروع پروژه پارس جنوبی به این سیاست روی آورده و موفق هم بوده اند. لطفا به فکر پارس شمالی باشید.

نتایج آرا در برخی از صندوق های شهرستان بوشهر

به گزارش خبرنگار نسیم جنوب نتایج غیر رسمی شمارش آرا انتخابات مجلس در برخی از صندوق های بوشهر بدین شرح است:

امام حسین شکری : ۲۲۱ میگلی نژاد - ۲۳ قایدزاده - ۷۵ جمیری
آبطویل : ۳۶۰ میگلی نژاد - ۱۵ قایدزاده - ۲۰۰ جمیری
دریایی(یک صندوق) ۷۴ میگلی نژاد - ۳۲ قایدزاده - ۶۵ جمیری
دریایی(یک صندوق): ۱۲۸ میگلی نژاد - ۵۴ قایدزاده - ۸۵ جمیری
میرعلمدار: ۳۴۵ میگلی نژاد - ۱۱۵ قایدزاده - ۱۹۶ جمیری
مدرسه دواس : ۴۳۷ میگلی نژاد- ۱۳۸ قایدزاده - ۵۲ جمیری
مسجد النبی : ۲۹۸ میگلی نژاد - ۷۵ قایدزاده - ۹۵ جمیری
چغادک : ۱۰۲۹ میگلی نژاد - ۳۷۶ قایدزاده - ۸۴۳ جمیری
هلالی : ۳۰۴ میگلی نژاد - ۴۷ قایدزاده - ۱۹۲ جمیری
سیار : ۵۷ میگلی نژاد - ۲۴ قایدزاده - ۵۷ جمیری
امامزاده : ۹۱ میگلی نژاد - ۳۰ قایدزاده - ۵۹ جمیری
حسینیه ارشاد : ۷۶۴ میگلی نژاد - ۵۳ قایدزاده - ۶۳ جمیری
صلح آباد شمالی : ۷۵۳ میگلی نژاد - ۴۲ قایدزاده - ۸۴ جمیری
توحید: ۷۷۵ میگلی نژاد - ۱۹۳ قایدزاده - ۲۸۲ جمیری
مسجد حاج مصطفی : ۵۳۷ میگلی نژاد - ۸۰ قایدزاده - ۱۱۸ جمیری
جبری : ۱۵۶ میگلی نژاد - ۱۷ قایدزاده
دواس : ۲۸۵ میگلی نژاد - ۹۳ قایدزاده - ۲۰۵ جمیری



مدرسه حجاب : ۲۲۶ میگلی نژاد - ۱۱۶ قایدزاده - ۱۴۳ جمیری
صلح آباد: ۳۹۸ میگلی نژاد - ۱۳ قایدزاده - ۴۴ جمیری
بهبهانی : ۱۷۰ میگلی نژاد - ۲۴ قایدزاده - ۴۰ جمیری
هنرستان جابرن حیان: ۲۴۷ میگلی نژاد - ۴۳ قایدزاده - ۱۶۲ جمیری
۷۳ سیار: ۱۰۰ میگلی نژاد - ۲۱ قایدزاده - ۶۳ جمیری
دبستان سعادت: ۱۲۰ میگلی نژاد - ۳۷ قایدزاده - ۴۴ جمیری
دبیرستان زینبیه : ۲۵۸ میگلی نژاد - ۹۷ قایدزاده - ۱۴۰ جمیری
جامع عطار: ۲۹۲ میگلی نژاد - ۴۵ قایدزاده - ۵۴ جمیری
سرتل: ۱۷۰ میگلی نژاد - ۱۸ قایدزاده - ۵۸ جمیری
چاهکوتاه : ۲۶۵ میگلی نژاد - ۱۳۲ قایدزاده -
هلیله : ۱۱۷ میگلی نژاد - ۶ قایدزاده - ۷۶ جمیری
بندرگاه : ۲۳۸ میگلی نژاد - ۱۶۰ قایدزاده - ۵ جمیری
فنی و حرفی شماره یک : ۱۷۱ میگلی نژاد - ۳۸ قایدزاده - ۷۹ جمیری
حسینیه زیارتی ها: ۱۵۶ میگلی نژاد - ۱۷ قایدزاده - ۳۷ جمیری
مسجد امام جعفر صادق: میگلی نژاد ۲۶۲ - ۳۳ قایدزاده - ۴۱ جمیری
مدرسه بنت الهدا: ۱۱۰میگلی نژاد - ۱۶ قایدزاده - ۱۵ جمیری
حسینیه سید محمد: ۱۹۷ میگلی نژاد - ۱۶ قایدزاده - ۲۴ جمیری
دبستان خلیج فارس : ۱۸۵ میگلی نژاد - ۱۴ قایدزاده - ۵۳ جمیری
مدرسه حسین نژاد بهمنی بوشهر : ۱۳۲میگی نژاد - ۱۰۱ جمیری - ۷۶قائدزاده
مدرسه امام جعفر صادق بوشهر: ۲۶۲میگلی نژاد-۴۱جمیری- ۳۳قائدزاده
مسجد فاطمه زهرا : ۲۶۸ میگلی نژاد - ۸۸ جمیری - ۷۰قایدزاده
روستای کره بند: ۲۰۲جمیری -۸۷میگلی نژاد -۶۶قایدزاده
روستای چاهکوتاه: ۲۶۵میگلی نژاد - ۲۰۹ جمیری - ۱۳۲ قایدزاده

بررسی نامرغوبی آرد و نان در همایش نانوایان

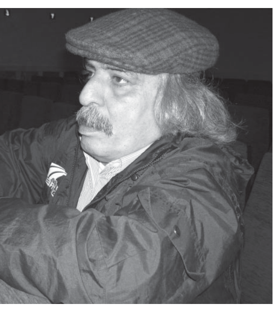
گزارش از حسین حشمتی : اولین همایش نانوایان استان با حضور نماینده ولی فقیه و امام جمعه بوشهر، استاندار و مدیران کل ادارات ذیربط در محل سینما بهمن برگزار گردید.
اولین سخنران حیدر پولادی مدیرکل غله بود که بعنوان میزبان ضمن خوش آمد گوئی به مدعوین شمه ای از اقداماتی که در جهت رفع مشکلات آرد و نان به عمل آورده مطرح کرد و پیشنهاد نمود برای بهبود کیفیت آرد تولیدی استان چهل درصد از گندم تولیدی بوشهر به فارس و خوزستان ارسال و به همان میزان گندم مرغوب از آن استان ها به بوشهر حمل و با گندم محصول استان مخلوط گردد. وی در ادامه از موافقت وزیر بازگانی با این پیشنهاد خبر داد.
آیت الله ایمانی نماینده ولی فقیه و امام جمعه بوشهر ضمن بیاناتی از اینکه برای حل مشکل آرد و نان استان همایش با حضور دست اندرکاران برگزار گردیده است اظهار خشنودی نمود و ادامه داد حضرت علی (ع) در دوران امامت خویش طی یکی از خطبه های خویش به چهار مورد اشاره فرموده است. اول آنکه تمام امت من دارای سرپناه هستند. دوم- از معاش و امنیت برخوردارند. سوم - از آب گوارا استفاده می کنند. چهارم- نان سالم در سفره ی آنان مهیا می باشد. قرآن هم به همین معنا اشاره ای صریح دارد و در آیه ای از شهر نمونه ای یاد می کند و می فرماید شهری که امنیت بر آن حاکم باشد از یک اقتصاد سالم برخوردار است.
وی در ادامه ی سخنان خود مسئله نان را در ارتباط مستقیم با مقوله ی امنیت کشور دانست و اضافه نمود برای رفع مشکل نامرغوبی آرد و نان استان باید دست بخش خصوصی در این زمینه باز باشد و رقابت سالم ایجاد شود.
معاون سازمان بهداشت و درمان وآموزش پزشکی استان که در غیاب رئیس خود در جلسه حضور داشت نیز طی سخنانی کوتاه به بررسی موضوع پرداخت و اضافه نمود که به علت نامرغوبی و شرایط نامساعد نگهداری گندم، نان نامرغوب تولید می شود که حدود ۳۰ درصد آن بعنوان ضایعات به مصرف دام داریها میرسد و شیر و گوشتی که از این تغذیه حاصل می شود هم دارای کیفیت مطلوب نیست.
وی همچنین به اقدامات سازمان تحت مدیریت خویش در زمینه غنی سازی آرد و جلوگیری از مصرف افزودنی های مضر مانند جوش شیرین در خمیر توسط نانوائی ها و رعایت موارد بهداشتی توسط کارگران خبازی اشاره کرد و راهکار بهبود وضعیت آرد را کنترل گندم از مزرعه تا سیلو دانست.
نسترن رئیس اتحادیه ی نانوایان بوشهر طی سخنانی خطاب به استاندار علت غیر ماکول بودن نان را ۵۰ درصد آرد و ۵۰ درصد دیگر افزایش هزینه های تولید، پائین بودن نرخ نان- کمبود کارگران ماهر دانست و اعلام نمود تا زمانی که شرایط اینگونه باشد نانوایان نمی توانند نان بهتری تولید کنند که این اظهارات او با ابراز احساسات شدید نانوایان حاضر در جلسه مواجه گردید.
آخرین سخنران افراشته استاندار بوشهر بود که پس از دو ساعت گوش سپردن به سخنرانی ها و اظهار نظریات مختلف پشت تریبون قرار گرفت و تشکیل همایش را خوب اما ناکافی دانست، وی در ادامه بیانات خود به مسئله ی اسراف در مصرف آب و نان توسط اهالی استان پرداخت و اظهار داشت طبق استاندارد جهانی هر نفر سالیانه باید سی و شش متر مکعب آب مصرف نماید. اما این آمار در بوشهر ۷۷ در خورموج ۶۲ و در دیلم ۵۹ متر مکعب است و دولت سالیانه سی هزار میلیارد تومان یارانه آرد در کشور می پردازد یعنی معادل ۱۵ سال کل اعتبارات استان بوشهر و با توجه به اینکه طبق آمار ۲۰ درصد نان تولیدی در کشور ضایع می شود ، کارشناسان باید بررسی و معلوم کنند چند درصد از این اسراف سهم بوشهر است تا با برنامه ریزی آنرا حذف کنیم.
وی در پایان به مدیر کل غله دستور داد هیاتی مرکب از نمایندگان نانوایان، مدیران کل ادارات ذیربط و افراد باتجربه تشکیل دهد و معایب ، کمبودها، و راهکارها را مشخص نماید تا در جلسه ای که روز سی ام فروردین ۸۷ در استانداری با حضور خودش برگزار خواهد شد بررسی و تصمیم گیری شود.

حاشیه های همایش

- حضور آیت الله ایمانی و سخنرانی ایشان در مورد آرد و نان استان نشان از اهمیت موضوع دارد که استاندار هم ضمن صحبت هایش به این مقوله اشاره نمود.
- در حالی که مراسم از ساعت یک تا چهار بعدازظهر طول کشید و نانوایان از سراسر استان به بوشهر آمده بودند از نهار خبری نبود و از مدعوین با کیک و آبمیوه و یک عدد موز پذیرائی به عمل آمد.
- در پایان همایش چهار ساعته، استاندار در محاصره نانوایان قرار گرفت و با حوصله و دقت به مشکلات آنان گوش داد، بعضی ها را یادداشت نمود و شماره تلفن گرفت تا پس از رسیدگی جواب دهد بعضی دیگر را همانجا از مدیر کل غله توضیح خواست.
- افراشته در پاسخ به سئوال یکی از خبرنگاران که نظرش را در مورد احتمال گران شدن نرخ نان پرسید گفت این موضوع باید کارشناسی و به صورت موردی بررسی شود اگر رضایت بخش بود اجرائی خواهد شد.
- استاندار بولتنی را که تحت عنوان (نان سالم در شهر سالم) چاپ و توزیع شد نپسندید و به فیلم بررسی وضعیت نانوایان استان که به مدت ۱۵ دقیقه پخش شد هم ایراد گرفت و دستور داد صدا و سیمای مرکز بوشهر روی وضعیت ارد و نان کار حرفه ای انجام دهد.

نوروز: سخت‌کوشی، زندگی و عشق ایرانی
جشنواره‌ی نوروزی بندر بوشهر؛ پژواک صداقت‌ها، تجلّی تعهدها...!

ایرج صغیری



جایگاه جشن در فرهنگ‌های صاحب تاریخ، ویژه، یگانه و ممتاز بوده و هست. به ویژه در دهه‌های آخر این روزگارِ ما، اهمیت و اعتبار جشن‌ها به خصوص جشن‌های رسمی و جمعی چنان بالا گرفته که علاوه بر مورخین و باستان شناسان، هنرمندان و حتا اقتصاددانان نیز این پدیده‌ها را از معتبرترین سوژه‌ها و عالی‌ترین منابع تحقیقی پذیرفته‌اند. این همه بها دادن به جشن‌ها هرگز بیهوده نبوده است. چه بسا که ردّ انواع قالب‌های فرهنگی و اجتماعی را می‌توان از متن همین جشن‌ها استخراج و استحصال نمود. جشن‌ها صادقانه‌ترین قالب کیفیت تلاش آدمی‌اند؛ تلاش و تقلاهایی که در شکل‌های جشن به ما رسیده، علاوه بر آن‌که حکایت چگونگی جشن و انگیزه و کیفیت برگزاری آن را با خود حفظ نموده، انواع دیگر ارزش‌ها و گزارش‌ها و واقعیات فرهنگی بر پا دارنده‌ی جشن را در خود حمل می‌کند. آن هم به گونه‌ای صاف و برهنه و پاک بی‌هیچ و غل و غش تا آن‌جا که نمی‌توان آن اعتبارات محتوای جشن را نادرست و یا مغشوش و دور از حقیقت تصور کرد. تا آن‌جا که اگر بتوان تمامی جشن‌های قومی متعلق به گذشته‌های دور را باز یافت و باز شناخت، به سرچشمه‌هایی از آن فرهنگ باستانی دست یافته‌ایم زلال و آشکار و بیان‌کننده‌ی تمامی ابعاد آن فرهنگ. خلاصه آن‌که قومی جشن بر پا می‌دارد که چیزی برای جاودان ساختن دارد. ارزشی پویا و خلاق که راویِ جز به جز آن فرهنگ و جامعه است.

هر جشن یا جشنواره تجلی ارزش‌ها، امیدها و آرزوهای ناقل آدمی است در زیباترین و انسانی‌ترین شکل خود؛ چیزی بسیار نزدیک به هنر. هر جشن که پیدا می‌آید حتا اگر پدید آورنده‌ی آن ملتی خاص و ویژه باشد، آن جشن به تمامی عالمیان تعلق پیدا می‌کند، زیرا همان‌گونه که کمی پیشتر گفتیم، جشن‌ها تجلی‌گاه امیدها و آرزوهای «آدم» است به معنی «عام» کلام و نه این قوم و آن قوم و یا این ملت و آن ملت. و اگر ملاحظه می‌شود که بعضی از جشن‌ها در جغرافیایی خاص محدود می‌شود، به آن دلیل است که هنوز زبان آن جشن به هر دلیل تعمیم نیافته و جهانی نشده است. در همین وضع کنونی هم شاخصه‌ی جهانی بودن و عام بودنش آشکار است. هر قوم برای نسل‌های بعد از خود ممکن است میراث‌هایی در اَشکال گوناگون به جای بگذارد؛ مانند تاریخ سنگ نبشته‌ها، آوازها، معماری، زبان، شعر و... اما جشن‌ها به دلیل حضور زنده‌ی مردم در برگزاری‌اش از هر شکل و صورتی مردمی‌تر و انسانی‌تر است. برای ارزیابی جشن‌ها به تحلیل عناصری از آنها باید دست زد که اعتبار و کم‌اعتباری هر کدام را نشانه‌اند. یکی از عناصر بسیار مؤثر در جشن نام و زمان برگزاری آن است. ما در حیات پیشینیان خود جشن‌های متعددی داشته‌ایم که حوادث تلخ متعدد، شمار قابل ملاحظه‌ای از آنها را نابود ساخته و جز چند تایی از آنها باقی ننهاده است.

در میان این چند جشن اندک، نوروز درخشان‌ترین و بااهمیت‌ترین است. شاید قطعی‌ترین نشانه‌ی مشخصه‌ی این برتری، اول مقطع زمانی برگزاری این جشن است، دوم عمومیت آن در چند بُعد و سطح است. نوروز را از دیرباز در آغاز سال – «آغاز بهار» – بر پای داشته‌اند؛ از یک سو پایان استبداد کشنده و طاقت‌فرسای سرما و یخبندان زمستان است، از سوی دیگر فرا رسیدن فصل تولد، فصل تلاش، فصل زندگی و پرنده و گُل و... و در یک کلام فصل عشق یعنی «بهار» است که می‌رسد. جشن نوروز اعلام وجود ملّتی است سخت‌کوش و زنده و عاشق.

برای این‌که ارزش پایان یافتن زمستان را ادراک کنیم یقیناً باید زمستان مناطق سردسیر را چشید، و گر نه آن شادمانی و سرزندگی پایان زمستان هرگز فهم نمی‌شود. درازنای زمستان نفس‌گیر ایران هر حرکتی را به چالش می‌خواند و سرابن انسان‌ها را پشت انبوهه‌های خوفناک از برف و انجماد و سرما زندانی می‌کند، طوری که امکان ناچیزترین حرکت را از همه سلب می‌سازد. حالا آب شدن ذرّه‌ذرّه و قطره‌قطره‌ی برف‌ها و یخ‌ها نشانه‌ی رسیدن پاورچین‌پاورچین بهار است. بهاری که دوباره زندگی را بر می‌گرداند و درخت معنا می‌یابد و پرنده تکثیر می‌شود و آهوها و چکاوک‌ها و شقایق‌ها می‌زایند و زاییده می‌شوند و زیاد. این‌همه البته که نیاز به اعلام و ابزار دارد. بهار و زیبایی‌هایش ابراز وجود طبیعت است و جشن نوروز همان اعلان است به شیوه‌ی ما آدم‌ها.

جشن نوروز چنان به جا و شایسته است که حذف آن به منزله‌ی حذف یک تاریخ است، انهدام یک فرهنگ و محو یک ملّت پر افتخار است. برگزاری شایسته‌ی این جشن حرمت نهادن به انسان است، ستایش زایندگی و باروری عشق و تجلیل زیبایی است. این‌ها همه معنا و محتوای نوروز است، اما صورت و قالب این جشن نیز خود ارزش است و در خدمت انسان و پاکی و مهر و عشق. نوروزی که طی آن، کودکان و بچه‌های ایرانی شادترین قشر جامعه‌ی ایرانی است تا آن‌جا که بچه‌های ما در درازنای تاریخ، این جشن شاد را از آن خود دانسته‌اند و خوب که می‌اندیشی می‌بینی که پر بی‌راهه نرفته‌اند. چرا که کودک نشانه‌ی آشکار زایندگی و آغاز است. این بدان معنی نیست که نوروز ربطی به بقیه‌ی گروه‌های سنی نداشته باشد، نه فقط از آنجا که این جشن تجلیل زایندگی است و شادی را در درون خود دارد و پُرهیاهو به دنیای زیبای کودکان و رؤیاهایشان بیشتر نزدیک است، صداقت و صافی و زلالت یکی از عناصر نوروز است. در ابعاد گونه‌گون نوروز صاحب ارج و ارزش است. عمق تاریخ این جشن بزرگ، ریشه‌ای آن‌چنان دوردست دارد که گاه آغاز آن از تاریخ عبور کرده و سر در افسانه و اسطوره فرو برده است. اسلام که در برابر مراسم و آیین‌های ملت مسلمان شده با سختگیری و قاطعیت برخورد می‌کند، چرا نوروز را تحمل کرده است؟! این نیست جز این‌که ارزش‌های این جشن کهن با معیارهای نوین اسلام همسو و سازگار بوده است. همین ایستادگی جشن نوروز در برابر توفان‌ها و حوادث تاریخی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است که نشان می‌دهد ارزش این آیین ایرانی تا چه پایه مردمی و نجیب است، وگرنه پابه‌پای این سنت پدیده‌های فرهنگی متعددی وجود داشته که اینک یا تنها اسمی از آنها مانده و یا حضوری به شدت کم‌رنگ یافته‌اند؛ مهرگان، سده، آبانگاه خرمن، کوسه برنشینی و... تعدادی از این جشن‌ها را تشکیل می‌دهند، اما استقامت و پایداری نوروز جز با تکیه بر ارزش‌های انسانی ایرانیِ درون این آیین نیست و گرنه هرگز هیچ ارتش و یا قدرتی به یاری آن نیامده است، فقط به همت محتوای نجیبانه‌ی ایرانیِ نوروز است که امروز نوروز را برگزار می‌کنیم.

برگزاری نوروز امروزه به معنای یک جشن شاد و مراسم جلف و سبکسرانه‌ای که نهایتاً به دست‌افشانی و خوشگذرانی ختم می‌شود نیست، بلکه ریشه‌های عمیق در فصیلت‌های والای انسانی دارد و در حقیقت تجلیل از بشریت است. از این دست جشن‌ها بسیار کم داریم. شاید به جز نوروز فقط یلدا باشد که پیدایش و برگزاریشان عواطف و فضیلت انسانی را ستایش می‌کند. برگزاری نوروز برای ملتی که آن را خلق کرده و طی هزاران سال با آن زندگی کرده نشان‌دهنده‌ی لزوم بر پایی‌اش در همه‌ی تاریخ است.

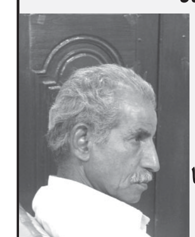


برپا کردن عید نوروز تشکیل مجالس سورچرانی و خوش‌گذرانی نیست. قطعاً چیزی است بسیار فراتر از آن؛ جشنی که هزاران سال است با همه‌ریزه‌کاری‌هایش بر پا می‌شود و در متن جوامع ایرانی و در قلب ایرانیان حیات داشته و دارد، شایسته‌ی همه‌گونه تجلیل است، حتا با اجزاء و عناصر ریز و درشت آن. وجود هفت عنصر حیاتی به نام هفت سین در یک سفره که محترم و مقدس شمرده شده و به ویژه نشانه‌های بسیار روشن از روشنایی‌ها و آیات خداوندی همچون قرآن، آب و آیینه، سبزه و سیب و... دلالت بی‌چون و چرایی است بر تقدیس و حرمت آن. از همین روی برگزاری این جشن و تعمیم آن در تمامی زوایای زندگی، تعهدی است بر دوش هر ایرانی هوشیار.

در همین راستا، در هر شهر ما با برگزاری اولین جشنواره‌ی نوروزی بندر بوشهر با شعار زیبای «همیشه بندر بوشهر، همیشه خلیج فارس» قدمی نیکو برداشته شده، جای مرحبا و خسته نباشید دارد و مروایی همه ساله برایشان آرزو می‌کنم. وظیفه‌ی مسؤولین فرهنگی است که با قدرشناسی از این حرکت خودجوش جوانان، آنان را در برگزاری هر چه بهتر این جشنواره یاری رسانند. با این امید که این جشنواره همه‌ساله برگزار شود و گروه‌ها و شخصیت‌های دیگری که هر نوع امکان فرهنگی و هنری برایشان میسر شده از تجلیل این پدیده‌های مردمی نیاکان‌مان و آیین‌های انسانی غروربرانگیز به هر شیوه‌ای که مقدور شده به ستایش و تجلیل این جشن‌ها و آیین‌ها بپردازند. آیین‌هایی چون نوروز حاوی اصالت و بالندی ایرانی است. به آنها افتخار کنیم و در تجلیل این سنت‌ها هویت خویش را بالنده و مکرر بانگ زنیم.

نرگس من

به دوستی که به من لطف دارد
ماشاء رضا زاده



سلام ای آشنا شعر ماشا
چگونه می کنی عشقم تماشا
به عشق نرگس و ماشا مکن شک
مکن عشق مرا هرگز تو حاشا
***
نمی دانم که هستی یا کجایی
یقین دانم که با من آشنائی
چه گویم از وفا و عهد نرگس
همی ترسم من از جور و جدائی
***
بخوان شعر مرا هر چند پیرم
به عشق نرگس آخر من اسیرم
ندانی عشق یعنی چه؟ غریبه
به غیر از او زدنیا سیر سیرم
***
اسیر عشق نرگس گشته ام من
به عشق و عاشقی پرداخته ام من
تمام جسم و جانم گشته نرگس
به جز نرگس کسی نشناخته ام من
***
چه خوش ذوقی رفیق ناشناسم
به جان خود تو را من می شناسم
بگو اسمت بگو نرگس بداند
نمی گویی، نگو، من کارشناسم
***
چه گویم ای حبیب از چه بنالم
اسیر عشقم و بشکسته بالم
نمی دانم که با نرگس چه سازم
بهل گریه کنم ، گریه به حالم
***
تو که «عین» است و(ر) (قاف) نامت
به دیده می گذارم هم کلامت
چنان در وصف نرگس شعر گویم
که حیران مانی و خوانم پیامت

مژده ی بهار

بهروز زاهدی

تقویم را می نگرم من
می گویدم سلام
سال نوت مبارک صد سال به سال تو
سال نوت خجسته و زیبا بهار تو
می گویمش رفیق، کدامین بهار کدام عید؟
پس کو صدای پرستو و آهنگ آمدن
پس کو شکوفه ی نارنج و عطرهای یاس
یا سنبلان دشت
یا عابران مست زیر عطر محبوبه های شب
دیدم سکوت کرد
بغضی بغل گرفت
آهی روانه کرد.
پس از کمی سکوت
قفل زبان گشود:
در عصر آهن در عصر سنگ و رنگ
در شهرهای عمودی در این هوای دم
دنبال پرستو آهنگ آمدن یا سنبلان دشت
در خواب ها بگرد!
گفتم: خوب آن دو هیچ
باشد دگر اثری از گل های اطلسی؟
محبوبه های شب؟
نیلوفران باغ؟
لبخند رازقی؟
دیدم سکوت کرد
بغضی بغل گرفت
آهی روانه کرد.
پس از کمی سکوت
قفل زبان گشود:
در عصر آهن و در عصر سنگ و رنگ
در شهرهای عمودی در این هوای دم
باید تو بشنوی مژده ی بهار را
از ازدحام شهر
از انفجار نرخ
از جیب های خالی و بازارهای پر
باید تو بشنوی!
دیدم که حق ز اوست
حرفش اگر چه تلخ
اما، حقیقتست
گفتم: ولی بگو
در این دیار مکافات
در این بهار هیچ!
شال نوت مبارک صد سال به سال تو
سال نوت خجسته و زیبا بهار تو
دیگر چه صیغه ایست؟
دیدم سکوت کرد.
دیدم سکوت کرد

سایه

امید خدری

و تو را که اثر از تمامی آدم داری،
و تو را که شیوایی را در سایه می خوانی
و مهتاب بسیار است
بشود که هر دو دنیای جانان را به
ما ببخشایی ...
و تو
و تو را ...
ای در بین این همه،
آنان!

فقط مردم
تحلیلی بر انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان بوشهر

خورشیدفقیه

با پایان گرفتن انتخابات مجلس هشتم و مشخص شدن نتیجه ی آن در حوزه های مختلف انتخاباتی، یک بار دیگر لزوم تجدید نظر در برخی برداشت ها و باورهای نادرست و غیرواقع سیاسی و اجتماعی را در میان پاره ای از جریانات و جناح های فعال سیاسی استان، اجتناب ناپذیر کرده است به ویژه آن که به نظر می رسد این تلقی و برداشت ها نیزعموما نتیجه عدم شناخت عینی و درک عمیق درون مایه ی اجتماعی است که در آن زندگی می کنند و حاصل نتیجه گیری های غلط از یک سری کنش های مقطعی و گاه احساسی مردم در سال های اخیر می باشد.

در انتخابات اخیر و همانند دیگر نقاط ایران، دو جریان عمده سیاسی که هر دو متأثر از عملکرد بزرگان خود در مرکز کشور می باشند، در استان ما نیز فعال بوده و هر کدام بر اساس همان باور و برداشت های خود، سعی در پرچم داری و رهبری مردم در تعیین نمایندگان خویش را داشته و به انحاء تلاش کردند تا افراد مورد نظرشان را راهی مجلس نمایند. اما در میان شگفتی و حیرت آنان، مردم به کسانی رأی دادند که در محاسبات این جریانات، کم تر به حساب می آمدند:

کاندیدای مورد نظر اصولگرایان و اصلاح طلبان – البته ائتلاف موسوم به اصلاح طلبان – در شهرستان دشتستان، به ترتیب عبارت بودند از ایرج زاده و جهانشیر کدخداپور. ایرج زاده با آن که از حمایت کامل تشکل های اصولگرایی استان با تمامی امکانات سنتی و شگردهای مدرن انتخاباتی برخوردار بود، آرای کمی را کسب نمود. ولی کدخداپور توانست با پشت سر گذشتن تمامی رقبا و حتی سیدعبدالمجید شجاع نماینده کنونی دشتستان، منتخب این حوزه شود. از آن جا که ممکن است انتخاب کدخداپور اصلاح طلب، این توهم را در ائتلاف موسوم به اصلاح طلبان به وجود آورد که این ناشی از حمایت و سفارش آنان می باشد، لازم است نکاتی را یادآوری نماییم:

واقعیت این که به جز شهر بوشهر که از یک بافت و ساختار اجتماعی ویژه ی تاریخی برخوردار است در مابقی شهرستان ها، ترکیب جمعیتی به گونه ای است که حرکت های اجتماعی در آن، بیشترمتأثر از ویژگی ها و سنت های قبیله ای و ماقبل مدرن است. به همین خاطر، موج پرتلاطمی که در جریان انتخابات دشتستان بپا خاست، ناشی از طوفان ریشه دار رقابت های محلی و قومی آن ناحیه بوده و نه در راستای ایده و اندیشه های ساسی و ایدئولوژیکی. پس تعجب برانگیز نخواهد بود اگر بنا به اطلاعات واصله، به همان نسبت که برخی از افراد و جریانات معتقد و یا وابسته به اصولگرایان به نفع کدخداپور رأی می دهند، گروه ها و شخصیت های اصلاح طلب نیز از وی حمایت می کنند. کما این که در مورد عبدالمجید شجاع و دیگر کاندیداهای آن منطقه نیز این امر صادق است. در حوزه انتخابیه دشتی و تنگستان، از قبل و بنا به به پاره ای ملاحظات قومی، محلی و فرهنگی، انتخاب مجدد سید مهدی پورفاطمی، تقریبا قطعی به نظر می رسید. جالب این که این فرد با وصف آن که عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی بوده و مورد نظر ائتلاف موسوم به اصلاح طلبان قرار داشت، در لیست سراسری و کشوری حزب اعتماد ملی جای نداشت!! ولی با جرأت و با عنایت به آرای حداکثری وی در شهرستان های دشتی و تنگستان وبا شناختی که از بافت کاملا سنتی و اصولگرایانه آن دو منطقه – به خصوص دشتی – آن که کاندیدای معرفی شده ی اصولگرایان، شخصی به نام نمازی می باشد. در حوزه انتخابیه کنگان، دیر و جم، کاندیدای اصولگرایان، شیخ موسی احمدی و نامزد مورد علاقه ی ائتلاف اصلاح طلبان علی کرمی بود، ولی هیچ کدام از این دو نفر، مورد اقبال عمومی قرار نگرفته و نهایتا قیصر صالحی نماینده کنونی مجلس و جلالیان که شخصیت ناشناخته و گمنامی می باشد، واجد اخذ بیشترین آراء گردیدند.در حوزه ی انتخابیه بوشهر، گناوه و دیلم، کاندیدای اصلوگرایان، عبدالکریم جمیری، و کاندیدای اصلاح طلبان حسن قائدزاده بود. جالب این که با وجود بسیج تمامی امکانات مادی و معنوی دو جریان سیاسی مذکور، کسی که بیشترین آراء را به خوداختصاص داد، غلامعلی میگلی نژاد، کاندیدای مستقل و غیروابسته به گروه های مطرح سیاسی است. با تأملی به آن چه گفته شد، اگر غرور خود محورنگری های کاذب را کنار بگذاریم و به واقعیت های موجود و نهفته ی درون جوامع مذکور، توجه دقیق و عالمانه ای مبذول داریم، در می یابیم که راه و شیوه ی عمل و پندار هر دو جریان اصولگرا و اصلاح طلب استان درباره ی مردم ساکن در این شهرستان ها، کاملا غلط و نادرست می باشد. پیچیدگی جوامع مذکور – به ویژه شهر بوشهر که تعیین کننده ی نهایی و اصلی در انتخاب نماینده این سه شهرستان بود – زمانی مشخص تر و عینی تر می شود که می بینیم با وجود آن که رأی دهندگان به میگلی نژاد و حامیان وی، هم از طیف های سنتی و اصولگرا و هم از گروه های فکری اصلاح طلبی و مدرن می باشند، ولی نه تنها هیچ گونه تفکرات قوم گرایانه ای خصوصا در بوشهر ملاحظه نمی گردد، بل که به گواهی چندین انتخاب پیش از این، گرایش شدید اکثریت مردم آن شهرها به ایجاد تحول و رفرم در ساختار حکومتی و اجتماعی ایران، امری اثبات شده است.

بنابراین، جا دارد که گروه های سیاسی مطرح استان؛ به جای توسل به تحلیل های سطحی و انداختن گناه عدم اقبال عمومی مردم به گردن عوامل سطحی ساخته و پرداخته ی ذهن خود، با استفاده از ابزارها و داده های علم جامعه شناختی مدرن، محیطی که در آن زندگی می نمایند را بهتر بشناسند.

جشنواره‌ی نوروزی بندر بوشهر؛
بهارِ جشنواره‌های فرهنگی...!

فرزان اسدی



نیاز امروز مردم ما، محیطی شاد و آرام، به دور از دلمشغولی های روزانه است، دلمشغولی هایی که به طور روزانه فکر و ذکر خانواده‌ها را به خود مشغول داشته است. کمبود برنامه‌های هنری، کنسرت‌های موسیقی، تئاترهای خیابان ی، مسابقات مختلف فرهنگی و هنری و... همه و همه باعث گردیده‌اند که یک رخوت محسوسی بر جامعه شهری و روستایی امروز ما حاکم گردد. در این میان گروه‌های هنری نیز که به دلیل مشکلات اداری و مالی معمولاً یا به اجرای برنامه نمی‌پردازند و یا به دلیل عدم حمایت مالی و اداری که ذکر شد، برنامه‌های کم محتوا و کم کیفیتی را ارائه می‌دهند.

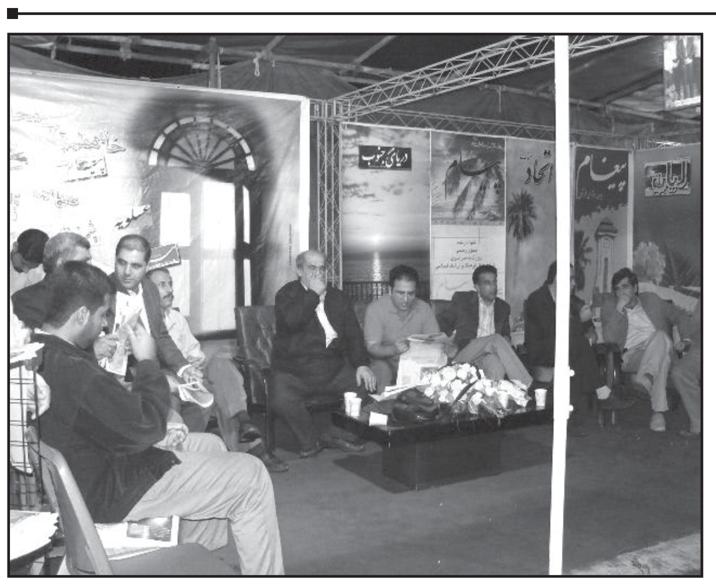
سال گذشته در ایام نوروز، شهرداری و شورای شهر بوشهر کاری قابل تحسین انجام دادند که آن هم حمایت از برنامه‌ی جشنواره‌ای بود که در محوطه شهرداری فعلی صورت می‌گرفت. این برنامه‌ی شاد که هر شبانه‌روز تعداد بی‌شماری را به محفل خود می‌کشاند با هنرنمایی هنرمند طناز استان، آقای حسن غلامی، به اوج خود می‌رسید. برنامه‌ای که تا پاسی از شب ادامه داشت، از گروه موسیقی محلی گرفته تا مسابقه و برنامه‌ی طنز و... همه و همه برای ایجاد لحظاتی شاد برای همشهریان و هموطنانی بود که از گوشه و کنار کشور به این بندر زیبا آمده بودند برپا شده بود.

در مکان برگزاری جشنواره، غرفه‌هایی تهیه شده بود و بعضی از مراکز خصوصی و دولتی و... نسبت به اجاره‌ی غرفه اقدام و از ساعات ابتدایی روز تا پاسی از شب به معرفی عملکرد خود و... می‌پرداختند. به طور مثال غرفه‌ی خانه‌ی مطبوعات با معرفی نشریات استان و همچنین حضور همه‌روزه‌ی نویسندگان و خبرنگاران استانی، به معرفی نشریات و مطبوعات استان به هموطنان اقدام می‌کرد و... .

گروه «پرپروک» سال گذشته واقعاً با بضاعت اندک، کاری بزرگ را انجام دادند، امیدوارم که مسؤولین شهر، امسال نیز تمام عزمشان را جزم نمایند و همان برنامه را با نظم بیشتر و برنامه‌ریزی دقیق‌تر مورد حمایت قرار دهند تا از طرفی لبخند را بر لب مردم و مهمانان بنشانند و از طرفی دیگر فرهنگ بومی و محلی استان را که به نوعی در برنامه‌ها گنجانده شده بود، به طور صحیح به گردشگران داخلی منتقل نمایند.

"میثم بشکوه"، دبیر جشنواره‌ی نوروزی بندر بوشهر، سال گذشته با تمام کاستی‌های موجود، به همت اعضای خانواده‌ی خود (به ویژه مرحوم محمود بشکوه) و جمعی از جوانان بوشهر کاری را کرد که سال‌ها خلاء آن برای ایام نوروز هویدا بود و با این کار، اندکی از اوقات فراغت خانواده‌ها را پر نمود.

به هر حال این امر برای امسال و سال‌های آتی هموار نمی‌شود، مگر به عزم و جزم و همت و حمایت مسؤولین شهری، چرا که با اینکار علاوه بر ایجاد محیطی شاد و به یاد ماندنی برای مسافران، خاطرات خوبی برای سفرهای مجدد آنها به یاد خواهد ماند و جا دارد که تلاش های این هنرمند و هنردوست همشهری را ارج نهیم و با تشویق ایشان برای انجام کاری مشابه برای سال پیش رو، پیشاپیش با برنامه‌ریزی دقیق‌تر به استقبال بهار برویم.



هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی
نسیم جنوب
• صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
• مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
• عکاس خبری: عباس حید ری
• نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
• دفتر هفته نامه نسیم جنوب
• تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
• ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
• لیتوگرافی چاپ: کارگر

یا مقلب القلوب و الابصار

داستان ملی شدن صنعت نفت، برگ زرینی از تاریخ این ملت

محمد مهدی بوشهری

روز پنجم خرداد ۱۲۸۷ برای اولین بار در ایران، در مسجد سلیمان، نفت کشف شد. این کشف در پی واگذاری امتیاز استخراج و بهره‌برداری از نفت به «ویلیام نکس دارسی» انگلیسی انجام شد. شرکت تحت فرمان «ویلیام دارسی» پس از ۵ سال جستجو از چاهی در مسجد سلیمان از شهرهای استان خوزستان، نفت کشف کرد. شاید کمتر کسی فکر می کرد که تاریخ ایران بعد از این کشف یکسره بر هم خواهد خورد و کشور از آن تاریخ به بعد تحت تاثیر نفت به گردش در خواهد آمد.

«ویلیام دارسی» با کشف نفت در جنوب ایران به ابزاری برای برقرار کردن نیم قرن سلطه دولت و شرکتهای انگلیسی بر منابع نفتی این کشور تبدیل شد. به همین دلیل بلافاصله پس از فوران چاه نفت در مسجد سلیمان، دولت انگلیس یکه‌تاز میدان شد و با تأسیس شرکت نفت ایران و انگلیس بر حوزه‌های نفت‌خیز کشور خیمه زد.

قبل از آن و در روز هفتم خرداد ۱۲۸۰/ ۲۸ مه ۱۹۰۱، برای نخستین بار امتیاز استخراج، بهره‌برداری و لوله‌کشی نفت و قیر در سراسر ایران (به جز پنج استان آذربایجان، گیلان، مازندران، گرگان و خراسان) به مدت ۶۰ سال به «ویلیام نکس دارسی» واگذار شده بود. «دارسی» در دوره حکومت مظفرالدین شاه قاجار این امتیاز مهم را گرفت و متعهد شد طی دو سال شرکت شرکت هایی را برای بهره‌برداری از امتیاز، تاسیس کرده و از عواید حاصله ۱۶ درصد به عنوان حق‌الامتیاز و ۲۰ هزار لیره نیز نقداً به عنوان سهم ایران، به دولت بپردازد. این قرارداد ۵ سال قبل از مشروطیت منعقد شد. مجلس اول پس از مشروطه نیز پس از بحث‌های مفصل درباره قرارداد «دارسی»، آن را نه رد کرد و نه تصویب.

این عدم تصمیم، خود نگرانی دارنده امتیاز را در پی داشت. این قراردادها، ماهیت پیمان را نداشتند، بلکه امتیازاتی بودند که از سوی شاه و معمولاً به ازا وامهای دریافتی، به خارجیان واگذار می‌شدند. پیش از مظفرالدین شاه نیز، ناصرالدین شاه قاجار امتیازات متعددی به خارجیان به ویژه انگلیسی‌ها واگذار کرد. در قرارداد «دارسی»، در تمام مدت صاحب امتیاز از پرداخت مالیات، عوارض و حقوق گمرکی برای کلیه اراضی، ماشین‌آلات، وسایل و مواد لازمی که وارد می‌کرد و جمیع محمولات نفتی که صادر می‌کرد، معاف بود. «ویلیام دارسی» طبق وعده خود به فاصله دو سال پس از اخذ امتیاز، شرکتی را با هدف تلاش برای یافتن نفت ایران تاسیس کرد و این شرکت در ۱۲۸۷ ش در مسجد سلیمان موفق به استخراج نفت شد.

روز هفتم خرداد ۱۳۱۲ /۲۸ مه ۱۹۳۳، یکی از مهمترین قراردادهای استعماری میان دولت رضاخان و کمپانی‌های نفتی انگلیسی به امضا رسید. به موجب این قرارداد که «متمم قرارداد ویلیام دارسی» لقب گرفته بود، انگلستان اجازه می‌یافت تا سال ۱۳۷۲ ش، از منابع نفتی ایران بهره‌برداری کند. این امتیاز در شرایطی به انگلیسی‌ها واگذار شد که تنها هفت سال از سلطنت رضاخان می‌گذشت. قرارداد ۱۳۱۲ در ۲۶ ماده در دوره نهم مجلس شورای ملی به تصویب رسید. پس از آن رضاخان دستور داد دیگر نه از نفت و نه از قرارداد هیچ بحثی در محافل دولتی و غیردولتی به میان نیاید، در مطبوعات منعکس نشود و در دوره‌های بعدی مجلس نیز مورد بحث نمایندگان قرار نگیرد. به موجب این قرارداد استعماری، انگلیسی‌ها برای هرتن نفت ۴ شلینگ به ایران پرداخت می‌کردند و مبلغی هم از منافع خالص صاحبان سهام به ایران می‌دادند. کمپانی انگلیسی طرف قرارداد نه تنها از پرداخت هرگونه مالیات و عوارض معاف بود بلکه هیچگاه دفاتر محاسبات خود را به دولت ارایه نمی‌داد و آن را «سری» می‌دانست. در نتیجه دولت ایران که مالک نفت و سهیم در درآمد کمپانی بود، چشم بسته ناگزیر بود حرف شرکای غارتگر انگلیسی خود را بپذیرد. این کمپانی هیچگاه قدمی در جهت آموزش حرفه‌ای کارکنان و کارگران ایرانی برنمی‌داشت.

تفاوت قرارداد ۱۳۱۲، با قرارداد «ویلیام دارسی» در این بود که در قرارداد «دارسی» کلیه اموال و امکانات شرکتی که به منظور بهره‌برداری از امتیاز تاسیس می‌شد به دولت ایران تعلق داشت، ولی در قرارداد ۱۳۱۲ همه این دارایی‌ها متعلق به انگلیسی‌ها بود. این قرارداد که از خیانتهای سرسلسله دودمان پهلوی به شمار می‌رود، تا ۲۰ سال پس از انعقاد دوام داشت و تنها در کشاکش رویدادهای نهضت ملی شدن صنعت نفت از اعتبار ساقط شد.

یکی از دلایل زمینه‌ساز شکل‌گیری نهضت ملی شدن صنعت نفت و «خلع‌ید انگلیس» از منابع اقتصادی کشور، تلاشی بود که شاه برای تحکیم معاهده ۱۳۱۲ به عمل آورد. روز ۲۶ تیر۱۳۲۸ ، پیمانی بین وزیر دارایی دولت وقت ایران ـ عباسقلی گلشائیان ـ و نماینده کمپانی نفتی انگلیس ـ «گس» ـ به امضا رسید که به معاهده «گس ـ گلشائیان» معروف شد. این پیمان نه در مجلس پانزدهم و نه در مجلس شانزدهم، به تصویب نرسید و زمینه‌ساز شکل‌گیری نهضت ملی شدن صنعت نفت شد. این معاهده قراردادی الحاقی به پیمان ۱۳۱۲ بود. به موجب این معاهده، ایران در مقابل فروش هر تن نفت به جای ۴ شلینگ قبلی ۶ شلینگ دریافت می‌کرد. فروش نفت در داخل ایران نیز ۲۵ درصد ارزان‌تر از فروش آن در خارج از کشور تعیین شد. ضمناً شرکت نفت ایران و انگلیس موظف بود مبلغ ۵ میلیون لیره استرلینگ یک‌جا به ایران بپردازد. در مقابل این تعهدات انگلستان، دولت ایران نیز موظف شد تعهدات امتیاز نفتی ۱۳۱۲ را دوباره تأیید کند.

«ساعد» نخست وزیر وقت ایران، قرارداد الحاقی را در پایان دوره پانزدهم به مجلس برد ولی برخلاف تصور او نمایندگان مجلس تحت فشار افرادی چون دکتر مصدق از تصویب آن امتناع کردند. نخست وزیر و حامیان قرارداد تصور نمی‌کردند اقلیت معدود مجلس بتواند از تصویب این لایحه جلوگیری کند. عدم تصویب این لایحه و مباحثاتی که دربارهٔ آن درگرفت، باعث آگاهی مردم از ماهیت استعماری قراردادهای پیشین شد و زمینه را برای مخالفت‌های بعدی و تلاش برای ملی شدن صنعت نفت فراهم ساخت.



دولت «ساعد» نتوانست قرارداد را به تصویب برساند و استعفا داد و علی منصور به نخست وزیری رسید. با تشکیل مجلس شانزدهم، منصور لایحه را مجدداً به مجلس آورد، اما زیرفشار نمایندگان اقلیت و مردم، این مجلس نیز از تصویب آن خودداری کرد.

سپهبد رزم‌آرا رئیس ستاد ارتش در خرداد ۱۳۲۸ موفق به کسب رای اعتماد از مجلس شانزدهم شد. هنگام طرح قرارداد الحاقی نفت در مجلس شانزدهم، کم‌کم زمزمه الغای کلیه قراردادهای نفتی بین تهران و لندن مطرح شد و بعضی از نمایندگان خواستار ملی شدن صنعت نفت شدند. در مجلس شانزدهم، بررسی قرارداد الحاقی، به کمیسیون مخصوصی که ریاست آن با مصدق بود، واگذار شد. وی ضمن یک مصاحبه مطبوعاتی صراحتاً اعلام کرد که قرارداد «دارسی»، قرارداد ۱۳۱۲ و همچنین قرارداد الحاقی را به رسمیت نمی‌شناسد و این قراردادها از درجه اعتبار ساقط هستند و نباید وسیله‌ای برای غصب حقوق مردم بشوند. و سرانجام در آذر ماه ۱۳۲۹ قرارداد «گس ــ گلشائیان» مردود اعلام شد. در همان روز طرحی با موضوع «ملی شدن صنعت نفت» به مجلس تقدیم شد اما از آنجا که تنها امضای یازده نماینده را پای خود داشت، مطرح نشد.

سرسخت ترین مخالفان ملی شدن صنعت نفت در دولت حضور داشتند. رزم آرا در سوم دی ماه در صحن علنی مجلس حاضر شد و ملی شدن صنعت نفت را بزرگترین خیانت اعلام کرد. دو روز بعد وزیر دارایی به مجلس آمد و قرارداد الحاقی را مسترد اعلام کرد. این اقدام در تاریخ ۸ دی ماه در میدان بهارستان با تجمع و صدور قطعنامه پاسخ داده شد. جمعیت حاضر در تجمع میدان بهارستان به دعوت آیت الله کاشانی و دکتر مصدق آمده بودند. پس از آن، رزم آرا بزرگترین مخالف ملی شدن نفت، توسط خلیل طهماسبی– از نیروهای فدائیان اسلام– در ۱۶ اسفند ترور شد و خلیل فهیمی به نخست وزیری رسید و پس از آن مخالفتی با الغای امتیازهای نفتی صورت نگرفت.

دولت انگلیس که از وضعیت پیش آمده کاملاً ناراضی بود یادداشتی برای دولت ایران فرستاد و ضمن آن اعلام می کند که فعالیت های شرکت از لحاظ حقوقی نمی تواند با اقدامی مانند ملی کردن صنعت نفت خاتمه یابد و اگر این روند ادامه یابد مسئله به دیوان داوری بین الملل ارجاع می شود. اما نمایندگان از واکنش دولت بریتانیا مرعوب نشدند و کمیسیون نفت طرح ملی شدن نفت را تقدیم مجلس کرد. در نهایت در تاریخ ۲۹ اسفند مجلس ملی شدن صنعت نفت را مورد تصویب قرار داد: «به نام سعادت ملت ایران و به منظور تامین صلح جهان. امضاکنندگان ذیل پیشنهاد می نماییم که صنعت نفت ایران در تمامی مناطق کشور بدون استثنا ملی شود، یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره برداری در دست دولت قرارگیرد.»

داستان ملی شدن صنعت نفت، استفاده از مشارکت های مردمی و سیاست ها و چاره اندیشی هایی که برای اجرایی کردن این قانون و در دست گرفتن تاسیسات صنعت نفت با کمترین هزینه داخلی و بین المللی از سوی مصدق و یاران او صورت گرفت از زیباترین خاطرات مردم ایران و برگ زرینی از تاریخ این ملت است. بخشی از این اقدامات در کتاب خاطرات مرحوم بازرگان به اختصار آمده است.

هدف حرکت نهضت ملی تنها ملی کردن نفت برای کسب در آمد افزون تر و به یغما نرفتن ثروت توسط بیگانگان نبود. چرا که پیشنهادهای قابل ملاحظه ای که شرایط مالی خوبی هم داشتند به ایران شد اما استدلال رهبران و سیاستگذاران نهضت ملی این بود که تا زمانی که نفت در دست بیگانگان است ، آزادی و استقلال و رهایی از استبداد داخلی میسر نیست . شواهد فراوانی نیز می آورند که در واقع نشان از دخالتهای شرکت نفت ایران و انگلیس در امور داخلی ایران بود.

بعضی از لوایح دولت ملی مصدق نشان از این داشت که توجه به حکومت دمکرات و مردم سالار در اندیشه های فعالین نهضت ملی قرار داشته است، اما متاسفانه در شرایطی که کشور و ملت ما در حال گذر از مرحله ماقبل دموکراسی به دموکراسی بود و در حال تمرین دوران گذار ، عده ای از رجال سیاسی و نظامی با همکاری سرویسهای اطلاعاتی انگلیس و آمریکا دست به کودتایی زدند و دولت ملی دکتر مصدق را سرنگون کردند .

سرهنگ غلامرضا نجاتی در کتاب تاریخ ۲۵ ساله ایران در این خصوص می نویسد: « مشکل بتوان باور کرد پادشاه کشوری ، دست در دست بیگانگان، علیه منافع کشورش عمل کند . در تاریخ به ندرت می توان که در گرماگرم نبرد ، بر سر آزادی و استقلال یک کشور ، گروههایی از افراد نیروهای مسلح ، جماعتی از نمایندگان مجلس ، مردانی که سالها وزیر و وکیل بوده اند، به خدمت دشمن درآیند و دانسته به میهن خود خیانت کنند؛ همچنین، هزاران تن از اهالی پایتخت، دست روی دست بگذارند و در نقش تماشاچی نظاره گر سرکوب نهضت ضد استعماری خود باشند. »

در صنعت ملی شدن نفت نمی توان از یکی از آزاد مردان ایرانی که در کنار مصدق و دیگر مردان بزرگ در این راه گام برداشت، یادی نکرد.

دکتر حسین فاطمی جوانترین وزیر امورخارجه تاریخ یکصد و پنجاه ساله ایران، مردی که به شهادت دکتر محمد مصدق ایده نخستین ملی شدن صنعت نفت را در خانه دکتر محمود نریمان ارائه کرد و تا آخرین لحظه حیات، دمی از این ایده جدا نشد. نخستین وزیر امورخارجه ای که به خود جرات داد تا اعلام قطع روابط سیاسی با انگلستان را اعلام کند و در سفارت خانه را ببند. در مرداد ۳۲ زمانی که پهلوی دوم برای اجرای کودتا ایران را ترک کرده بود فاطمی با اعلام این که «خائنی که می خواست ایران را به خاک و خون بکشد از ایران گریخت .» اعلام پایان حکومت شاهنشاهی کرد. به همین دلیل پس از واقعه کودتا ۲۸ مرداد او یکی از کسانی بود که تحت تعقیب قرار گرفت و سرانجام در حالی که بیماری که پس از ترور او را در گیر کرده بود رنج می برد دستگیر و در دادگاه در حالی که پیش از ورود به آن مورد حمله دار و دسته شعبان جعفری قرار گرفته بود به اعدام محکوم شد و علی رغم این که دکترها اعلام کرده بودند تا چند ماه دیگر زنده نخواهد بود با تبی ۴۰ درجه تیرباران شد. او پیش از اعدام گفته بود:« من کاری بزرگ کردم و در سفارت انگلستان را در ایران بستم غافل از این که سفارت انگلستان در دربار ایران جریان دارد.»

منابع:

سرگذشت نفت ایران – از فوران اولین چاه تا پیروزی انقلاب اسلامی – موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی
http://mjmagazine.blogfa.com/post-aspx. مقاله محمد صابر عباسیان
پندار ، شماره۸اسفند ۱۳۷۹– یاد ایام ، ۲۹ اسفند
– نیم قرن پس از فاطمی: http://www.chn.ir/News/?id=
– ویژه نامه شرق – سال سوم شماره ۷۲۵ یکشنبه ۲۸ اسفند ۱۳۸۴